



انشریه کانون فرهنگی شهید مکتبی روستای محمدآباد گرگان
سال بیست و سوم، شماره ۶۵، اردیبهشت ۱۴۰۴

آتش زدن کاه و کُلیش نابودی محیط زیست

مطالبه گری اجتماعی

نیاز امروز جامعه

صفحه ۸

دوره می فرهنگی

با محوریت نشریه ناور

صفحه ۶

پیشگیری بهتر از درمان است

گفتگو با بهورزان خانه بهداشت

صفحه ۱۲

خواندن کتاب،
پنجره ای رو به دانایی



© Tang Yau Hoong



ناور

نشریه داخلی کانون فرهنگی شهید مکتبی روستای محمدآباد گرگان
زیر نظر دبیرخانه کانونهای فرهنگی و هنری مساجد گلستان
شماره پیامک: ۵۰۰۹-۴۹۴-۰۹۳۷

وبسایت navaronline.ir

پست الکترونیک info@navaronline.ir

کانال تلگرام [telegram.me/navaronline](https://t.me/navaronline)

کانال آپارات [aparat.com/navaronline](https://www.aparat.com/navaronline)

اینستاگرام [instagram.com/navaronline](https://www.instagram.com/navaronline)



ای که دیگرگون کنی احوال ما
حال ما آنگونه گردان که نکوست

۲۳ سال همراهی

۲۳ ساله

۲۳ سال از چاپ اولین شماره نشریه می گذرد. نشریه ای که فعالیتش را با دو برگ کاغذ A4 سیاه و سفید در روستای محمدآباد شروع کرد و حالا پس از گذراندن فراز و نشیب های بسیار یکی از برترین نشریات تجربی سطح کشور است. ۲۳ سال بازتاب اتفاقات کوچک و بزرگ یک روستای چند هزار نفری. و قطع به یقین پیمودن این مسیر را مدیون توجهات، حساسیت ها، بازخوردها، انتقادهای، پیشنهادها، گلایه ها و حمایت های خواندگانش است. خواندگانی که گاهی مطالب نشریه برایشان جذاب و خواندنی بود و گاهی سرد و بی روح، گاهی مطالبش را تایید کردند و گاهی برنتابیدند، گاهی از نشان دادنش به اقوامشان در شهرها و روستاهای اطراف احساس غرور کردند و گاهی درخواست کردند دیگر در خانه شان نیاید. ناور با همه فراز و نشیب هایش ۲۳ سال است در کنار ما راهش را طی می کند و امید دارد بعد از این نیز با حمایت خواندگانش این راه را ادامه می دهد. حمایت همواره تشویق نیست، حمایت گاهی انتقاد است، گاهی گلایه است، گاهی حساسیت است و اگر نبود این انتقادهای و گلایه ها شاید ناور هم به اینجا نرسیده بود.

اما سوالی که همیشه در مورد ناور از خود پرسیده ام این است: اگر ناور نبود وضعیت فعلی محمدآباد چگونه بود؟! بیش از ۶۰ شماره از ناور چاپ شده و این نشریه در حد توانش خواسته تا آینده ی تمام نمای محمدآباد باشد. محمدآبادی که بی عیب نیست. به واقع اگر ناور نبود کسی بود که مسائل و مشکلات و اتفاقات ریز و درشت روستا را به رشته تحریر درآورد؟! آیا بیان این مسائل توانست به رفع کمبودها و جلوگیری از تکرار اشتباهات کمک کند؟! آیا کسی بود که دستاورد های عیدیه روستا را این گونه به صورت مکتوب ثبت و آرشیو کند؟! کسی بود که این چنین روحیه ی مطالبه گری را در ما به منصفه ظهور بگذارد؟! به راستی ناور چه تاثیری در رساندن محمدآباد به این نقطه داشت که بسیاری از روستاهای شهرستان و استان حتی جرات مقایسه خود با محمدآباد را هم ندارند.

ناور خواسته تا در تمامی این سال ها پا به پای زحمت کشان و افتخار آفرینان و اهالی این روستا پیش بیاید و همراه شان باشد. ناور زاینده ی ذهن اهالی همین روستا است. کسانی که بدون غرض ورزی سعی در بازتاب خوب و بد روستا دارند. امید است خوانندگان ناور نیز مثل همیشه همراه آن باشند.

یادداشت کشاورزی مدرن / ۵

دوره می فرهنگی با محوریت نشریه ناور / ۶

مطالعه گری اجتماعی، نیاز امروز جامعه / ۸

آتش زدن کاه و کُش، نابودی محیط زیست / ۹

تاریخچه فوتبال محمدآباد / ۱۰

گفتگو با بهروز خان بهداشت روستا / ۱۲

شفاعت؛ میانجی گری یا همراهی / ۱۴

تاریخچه در آبست امید ثمری است / ۱۶

گفتگو با نوروزعلی ذبیحی / ۱۸

تاریخچه و روشهای ساده انتقال فایل / ۲۱

ثمره زندگی / ۲۲

قنات یا کاریز / ۲۳

مدیر مسئول : رمضانعلی حمزه ای

همکاران این شماره:

امیر سعادت، رمضانعلی حمزه ای، قربان حمزه محمدآبادی، کریم محمدی، حسن خورشیدکلایی، حبیبه شعبانی، سید ابوطالب حسینی، قاسم سامقانی، علی خورشیدکلایی، مسعود حمزه ای، علی حمزه ای

* مطالب منتشر شده در نشریه صرفاً دیدگاه این

نشریه نمی باشد.

معضل سگهای ولگرد

حبیبه شعبانی*

به همراه دارد. بنابراین، یکی از راه‌حل‌های پیشنهادی و موفق که در برخی کشورها انجام شده، پروژه‌های عقیم‌سازی، واکسیناسیون و در نهایت ایجاد پناهگاه‌های امن برای این حیوانات است. این روش‌ها می‌توانند به کاهش تدریجی جمعیت سگ‌های ولگرد کمک کنند و در عین حال احترام به حقوق حیوانات را نیز حفظ کنند. همچنین، افزایش آگاهی عمومی و آموزش شهروندان در خصوص نحوه تعامل با این حیوانات و اهمیت واکسیناسیون و مراقبت از سگ‌های خانگی می‌تواند از گسترش این مشکل جلوگیری کند. می‌توان با همکاری نهادهای مسئول و کمک گرفتن از کارشناسان و داوطلبین ساز و کاری ایجاد کرد تا این معضل برطرف شود.

* بهروز خانه بهداشت روستای محمدآباد



معضل سگ‌های ولگرد یکی از مسائل مهم در بسیاری از شهرها و مناطق روستایی است که روستای ما نیز با این مسئله مواجهه و روبروست. معضل سگ‌های ولگرد پیامدهای مختلفی برای سلامت عمومی، بهداشت محیط، و ... دارد. این سگ‌ها به دلیل شرایط سخت و بدون سرپرستی، اغلب دچار گرسنگی، بیماری، و آسیب‌های جسمی می‌شوند. عدم کنترل و مدیریت مناسب جمعیت این حیوانات می‌تواند به گسترش بیماری‌های مشترک بین انسان و حیوانات مانند هاری منجر شود و در مواردی موجب ترس و نگرانی ساکنان محلی شود. گزارشات زیادی از سرگردانی سگ‌های ولگرد در روستا با ظاهری رنجور و بیمار که از سر گرسنگی دنبال افراد راه می‌افتند وجود دارد که باعث ایجاد نگرانی در اهالی گردیده است. همچنین پرسه زدن این سگ‌ها در اطراف سطولهای زباله و جستجوی غذا در کنار سطولهای زباله علاوه بر ظاهر زننده و نازیبا آلودگی محیط را به همراه دارد. که اگر فکری به حال این موضوع نشود ممکن است تبعات آن دامن سلامتی هم محلی‌های عزیز را بگیرد.

اما با همه این موارد، برخوردهای خشونت‌آمیز یا اقدامات غیرانسانی برای کاهش جمعیت سگ‌های ولگرد، دور از انسانیت بوده و واکنش‌های منفی در جامعه و از سوی طرفداران حقوق حیوانات

میراث فرهنگی و غفلت ما

علی خورشیدکلایی

استحکام بنا در ساختمانهای مسکونی

رمضانعلی حمزه‌ای

و ساز نموده و در پایان نیز با پرداخت جریمه، مجوزهای لازم و حق انشعاب را دریافت می‌نمایند. با توجه به اینکه این ساخت و سازها بصورت غیراصولی بوده و در مقابل حوادث نیز آسیب‌پذیر هستند، امکان تخریب وجود دارد که در صورت تخریب علاوه بر خود فرد به همسایگان نیز آسیب و ضرر و زیان می‌رساند. لذا ضرورت دارد متولیان امر در بخشداری، بنیاد مسکن و دهیاری نسبت به این امر اهتمام بیشتری داشته باشند و اقدامات بازدارنده بیشتری انجام دهند و به افرادی که قانون را رعایت می‌نمایند مشوق‌های بیشتری اعطا نمایند.

در سالهای اخیر توجه به استحکام ساختمانهای مسکونی در روستاها با اعطای وام قرض الحسنه و نظارت مهندسان مرتبط با ساختمان امری بسیار پسندیده می‌باشد که باعث حفظ سرمایه‌گذاری افراد در ساخت و ساز بوده و در مقابل حوادث غیرمترقبه نیز استحکام لازم را دارا می‌باشد. که در اکثر قریب به اتفاق ساختمانهای نوساز این امر توسط ساکنان روستاها و از جمله در روستای ما رعایت می‌شود و تلاشهای دهیاری و مهندسين ناظر نیز جای تحسین دارد. اما گله‌مندی‌هایی نیز وجود دارد که بعضی افراد و عمدتاً افراد غیربومی بدون مجوز و رعایت استانداردهای لازم اقدام به ساخت

امروزه یکی از دغدغه‌های بشر حفظ هویت فردی، قومی و میهنی است و کشورهای مختلف سعی می‌کنند با زنده نگه داشتن میراث ناملموس همچون آداب و رسوم و سنت‌ها و ... و همچنین حفاظت از میراث ملموس چون بناها و اشیاء و ابزارآلات قدیمی و ... نشان دهند از دیرباز دارای تمدن و فرهنگ بوده‌اند. در روستای ما با توجه به پیشینه‌ای که دارد متأسفانه بنای شاخصی بر جای نمانده و تقریباً اکثر بناهایی که قدمتی داشتند یا تخریب شده و یا دستخوش تغییر و تحول فراوان گردیده‌اند که دیگر رنگ و بو و نشانی از اصالت قدیم خود ندارند و نشان آنها را باید تنها در عکسهای قدیمی جست. در هر حال امروزه تنها بنایی که باقیمانده حمام عمومی روستا است که آن هم البته قدمت چندانی ندارد. اما می‌توان با اندکی تغییرات و مرمت؛ آن را به موزه «ترجیحا» مردم‌شناسی تبدیل کرد که هم بنا حفظ شود و هم ویرینی باشد برای معرفی فرهنگ و آداب و رسوم روستای محمدآباد. و در کنار آن با برگزاری برنامه‌های فرهنگی به شناسایی و معرفی فرهنگ بومی روستا کمک کرد.

آب مایه حیات

رمضانعلی حمزه‌ای

دسترسی به آب آشامیدنی سالم یکی از نیازهای اساسی جامعه بوده. و به عنوان مهمترین منبع حیاتی محسوب شده و اهمیت بسزائی در زندگی انسان دارد. امروزه تامین آب آشامیدنی سالم و ارائه خدمات آبرسانی به مردم یک مشکل اساسی در اکثر شهرها و روستاها می باشد. در روستای ما نیز مشکل تامین آب آشامیدنی سالم از قدیم الایام وجود داشته و کماکان نیز این معضل وجود دارد. البته طبق ادعای متولیان امر، با احداث چاه جدید مشکل آب آشامیدنی حل شده. ولی در چهار ماه گرم سال (خرداد، تیر، مرداد، شهریور) و حتی همراه با یک بازدید ساده در محلات و کوچه ها کمبود و قطع آب مشاهده می گردد. همچنین در یکی دو مورد نیز بهداشتی نبودن آب آشامیدنی، مشکلات گوارشی برای ساکنین روستا بوجود آورده بود. لذا با توجه به در پیش بودن فصل گرم سال، شایسته است اقداماتی انجام پذیرد تا در آینده این مشکل حداقل به طور نسبی حل گردد. که به چند مورد آن اشاره می گردد. ۱- با توجه به اینکه اکثر لوله کشی آب در سطح روستا فرسوده و از جنس آریست می باشد که از نظر بهداشتی و هدر رفت آب بعنوان یک مشکل اساسی بوده و متولیان امر باید بطور جدی پیگیر تعویض شبکه آبرسانی بوده که مشکل بهداشتی آن حل و جلوی هدر رفت آب گرفته شود و هم جلوی مصارف بعضی مشترکین که مصارف غیر قانونی دارند گرفته شود. (در خصوص تعویض شبکه ذکر این نکته ضروری است که در اکثر روستاهای مجاور محمد آباد این کار انجام شده و معضل کمبود آب آنها تا حدودی رفع گردیده است. ۲- نصب شیر فلکه جهت تنظیم فشار آب در بعضی نقاط روستا، نیز باعث می گردد که توزیع آب در سطح روستا بصورت کنترل شده و متعادل باشد. ۳- در مواردی نیز آب شرب روستا در مصارف غیر خانگی از جمله آبیاری درختان و فضای سبز و دامداریهای سنتی و ساختمان سازیهای سطح روستا و مصرف میگردد که بر کمبود آب در ماههای ذکر شده تاثیر دارد.

کشاورزی مدرن

قاسم سامقانی

منابع آبهای زیرزمینی، صرفه جویی در آب مصرفی با استفاده از روشهای نوین باعث روی آوردن کشورها به کشاورزی نوین گردیده است.

انواع کشت محصولات پاییزه در استان گلستان

از گیاهان مرسوم کشت پاییزه در استان گلستان می توان از گیاهانی چون گندم، کلزا، جو، باقلا، نخودفرنگی، سیب زمینی و ... نام برد.

گندم یکی از مهمترین غلاتی است در پاییز در دو نوع آبی و دیم کشت می شود. از اقلام دیم می توان از کوهدشت، آفتاب، کریم نام برد که عملکرد آن ۱،۵ تا ۳ تن در هکتار است و ارقام آبی همچون تکتاز، اراز، آرمان، کلاته و تیرگان که عملکرد آن ۴ تا ۷ تن در هکتار می باشد. آماده سازی مناسب خاک مزرعه با استفاده از کودهای دامی یا فسفات و پتاس، استفاده از بذرهایی بوجاری شده و ضد عفونی شده، تاریخ کشت مناسب، سموم علف کش در زمان مناسب، به موقع زدن قارچکش از نکات مهم کشت گندم می باشند.

کلزا یکی دیگر از گیاهانی که آمار قابل توجهی از زمین های روستا در پاییز به این محصول اختصاص می یابد. این گیاه روغنی ارقام مختلف داخلی و خارجی همچون هایولا، آر جی اس، تراپر، دلگان، ظفر و .. که عملکرد آن به ۲،۵ تا ۳،۵ تن در هکتار می رسد. از نکات مهم کشت این محصول می توان به آماده سازی خاک مزرعه، استفاده از بذر ضد عفونی شده، کشت در رطوبت مناسب، استفاده از سموم آفت کش بعد از سبز شدن جهت مبارزه با کک، علفکش باریک برگ، کوددهی، قارچکش مناسب و برداشت در زمان مناسب اشاره کرد.

در انتها به کشاورزان عزیز توصیه می شود تا حد امکان از کود ازته یا سفید استفاده نکنند چون باعث چسبندگی بافت خاک و تشدید شوری خاک می شود. استفاده از کود های دامی و یا کودهای شیمیایی سولفات آمونیوم، آمونیوم، گوگرد بر پایه آمونیوم علی الخصوص در مزارع شالی زیر آب بندان مناسب تر است.

تولید محصولات کشاورزی در ایران به اولین سالهای تمدن بشری باز می گردد. در زمانهای قدیم و در دنیای باستان ایرانیان به کشت محصولات چوَن گندم، جو، عدس و ... روی آورده و تقریباً همان شیوه و کشت محصولات همچنان کم و بیش ادامه دارد. محصولات گندم و برنج دو ماده اصلی غذای ایرانیان را تشکیل می دهد. در ایران گندم از مهمترین منبع تامین کالری انسان است. و پس از برنج در جایگاه دوم قرار دارد و سپس محصولات لبنی مانند ماست و پنیر و با توجه به بالاتر بودن قیمت برنج نسبت به گندم تقاضا برای کشت برنج بیشتر شده و در نتیجه به توجه به درآمد آن باعث بالاتر رفتن سطح رفاه و زندگی شده است.

از همین رو اقتصاد کشاورزی روستای ما بیشتر به سمت کشت برنج سوق داده شده که در این چند دهه و چند ساله اخیر پیشرفتهای زیادی در زمینه کشت و صنایع وابسته به آن مانند نشاء با دستگاه و کارخانه شالیکوبی مدرن شاهد هستیم. در این زمینه پیشرفتهای کشت برنج در شمال روستا شاهد این مدعا می باشد که شامل ایجاد آب بندانهای متعدد و تسطیح اراضی کشاورزی، ایجاد نهر های بتنی جهت مدیریت مصرف آب، خیابان بندی زمینهای کشاورزی و باعث شده که کشاورزی از حالت سنتی خارج و به سمت کشاورزی مدرن سوق پیدا کند که جا دارد از مسئولین این کار خیر تشکر و قدردانی داشته باشیم. در دنیای امروز پیشرفت های علمی قابل ملاحظه ای در همه زمینه ها از قبیل کشاورزی نسبت به زمانهای گذشته اتفاق افتاده است. انسانها برای دسترسی به تولید مواد غذایی بیشتر از روش ها و تکنولوژی های نوین کشاورزی استفاده می کنند. کشاورزی نوین روشی است برای توسعه و تحول کشاورزی که به کشاورز کمک می کند بهره وری خود را افزایش دهد. با بهره گیری از کودهای اسیدسولفوریک باعث تنظیم شدن اسید خاک شده و بر بهبود و کیفیت خاک تاثیر شایانی میگذارد. کود اوره عمل فتوسنتز را بهتر می کند. کودهای شیمیایی آمونیاک دار باعث تقویت خاک می شود و برافزایش محصول تاثیر می گذارد. اما در کشاورزی سنتی خاک بعد از مدتی توانایی برای بهره وری را از دست می دهد.

عواملی همچون جمعیت زیاد کره زمین، بروز بحران در زمینه مواد غذایی، کاهش

دوره‌می فرهنگی با محوریت نشریه ناور

در پانزدهمین دوره‌می فرهنگی که به همت سرای فرهنگ و رسانه استان گلستان برگزار می‌گردد، نشریه ناور میزبان اهالی فرهنگ و رسانه استان گلستان و محمدآباد بود. این مراسم سه شنبه ۱۱ دی ۱۴۰۳ در محل دفتر مجمع خیرین روستا برگزار شد. در این برنامه پس از قرائت قرآن، آقایان محمد حمزه ای و علی خورشیدکلاپی به نمایندگی از شورای نویسندگان نشریه ناور توضیحاتی درباره نشریه و پیشینه آن در روستا و شکل گیری نشریه ناور و ... دادند و در ادامه آقای رحمت رجایی رئیس تشکل فرهنگ و رسانه گلستان به سخنرانی در مورد اهمیت و ضرورت چاپ نشریات محلی و همچنین کتابهایی در مورد فرهنگ و تاریخ روستا پرداختند. در پایان به رسم یادبود لوح تقدیری از طرف اعضای سرای فرهنگ و رسانه گلستان به مدیر مسئول نشریه اهداء گردید.



کسب عنوان سومی جهان توسط کوکو کاران ایران با استفاده از بازیکنان روستای محمدآباد

تیم ملی کوکو مردان ایران در رقابت های جهانی هند به مقام سوم رسید. رسول شعبانی، علی قربانی، محمدعلی ناصری، احسان سعادت و آرش شعبانی ورزشکاران روستای محمدآباد بودند که این تیم را همراهی و از مهره های اصلی تیم ملی بودند. همچنین مربیگری این تیم بر عهده محمد شعبانی از روستای محمدآباد بود. لازم به ذکر است در تیم کوکو بانوان نیز سه بازیکن از روستا به نام های کیمیا صادقی، ارغوان سعادت و فاطمه محمدآبادی و خانم سمیرا شعبانی بعنوان سرمربی حضور داشتند که پس از صعود از دور مقدماتی با شکست مقابل نپال از حضور در مرحله یک چهارم باز ماندند.



از گوشه و کنار

حضور بانوان در مسابقات ورزشی

یکی از اتفاقات قشنگ مسابقات جام رمضان و نوروز ۱۴۰۴ حضور بانوان بعنوان تماشاگر در سالن ورزشی بود که با تصمیم عوامل برگزاری مسابقات اجرایی شد. به گواه همه امسال یکی از کم حاشیه ترین دوره این مسابقات طی چند سال اخیر بود که یکی از دلایل اصلی آن حضور بانوان محترم بود. ضمن تشکر از عوامل برگزاری مسابقات امیدواریم این حضور آغازی باشد برای حضور پر رنگ تر بانوان روستا در عرصه های مختلف اجتماعی، فرهنگی، ورزشی و

قطع برق و نارضایتی اهالی

قطع منظم و نامنظم برق در چند ماه اخیر باعث نارضایتی اهالی شده و داد همه را درآورده. در تابستان گرم برق هر روز قطع می شد و بهانه گرما بود. اما زمستان هم که هوا سرد بود قطعی برق داشتیم. از طرفی سیستم گرمایش یکسری از خانه ها بصورت شوفاژ و پکیج بوده که با قطعی برق آنها هم قطع می شود و کسانی در خانه بیمار و یا نوزاد دارند دچار مشکل می شوند. همچنین قطعی و نوسان برق باعث آسیب زدن به لوازم برقی اعم از یخچال، تلوزیون، ماشین لباس شویی و می شود.

قبض آب

یکی دیگر از مشکلاتی که در این مدت اهالی روستا با آن مواجه بودند و هستند مسئله رقم بالای قبض آب شرب می باشد. گویا کنتور های قدیمی مشکل دارند و تعویض کنتور هم وظیفه اداره آب و فاضلاب است اما بدلیل نداشتن بودجه تعویض کنتور انجام نمی شود و همچنان برای اهالی قبض هایی با رقم زیاد می آید. امیدواریم این مشکل هر چه زودتر برطرف شود.

سرعت گیر نصفه

قابل توجه اداره راه و ترابری استان گلستان، بعد از احداث دوربرگردان روبروی بوستان محلی روستا، با گسترش و عریض کردن جاده، سرعت گیری که روبروی پارک قرار داشت بلا تکلیف مانده است. اگر در اون قسمت نیاز به سرعت گیر هست لطفاً بقیه جاده را هم سرعت گیر نصب کنید و اگر لازم نیست لطفاً برش دارید.

از شماره قبلی تا این شماره

در این ستون قصد داریم اخباری که در مدت چاپ شماره های نشریه در روستا اتفاق افتاده است را بصورت خطی و کوتاه منتشر کنیم تا این اختیار هر چند مختصر ثبت و ضبط شود. احتمالاً در این میان بعضی از اتفاقات از دید ما پنهان مانده که امیدواریم به بزرگی خودتان ما را بخشیده و موارد لازم را به ما یادآور شوید.

- قهرمانی تیم کبیدی گلستان در مسابقات کبیدی قهرمانی کشور در شهریور ۱۴۰۳ با حضور بازیکنان و کادر فنی ورزشکاران محمدآباد.

- گرامیداشت هفته دفاع مقدس در ۳۰ شهریور ۱۴۰۳ در مسجد جامع روستا.

- رتبه دوم امیرارسلان عباسی در مسابقات محاسبات ذهنی با چرتکه در مهر ۱۴۰۳ تهران.

- قهرمانی تیم کبیدی پدیده گلستان با بازیکنان و کادر فنی ورزشکاران محمدآباد در تورنمنت کبیدی آبان ۱۴۰۳

- سرویس و نوسازی روشنایی معابر در آبان ۱۴۰۳ توسط دهیاری روستا.

- صعود گروه کوهنوردی آزادکوه به قله پیگردکوه در تاریخ ۱۱ آبان ۱۴۰۳

- حضور یاسمین بیرجندی در استعداد یابی تیم ملی نوجوانان فوتبال کشور

- گرامیداشت روز دانش آموز در مدرسه ابتدایی شهداء در روز ۱۳ آبان ۱۴۰۳.

- برگزاری جشنواره غذای سالم و نمایشگاه محصولات خانگی در ۱۷ آبان ۱۴۰۳ به مناسبت ولادت حضرت زینب با حمایت کانون فرهنگی، دهیاری و پست بانک محمدآباد.

- نصب ۲۹ دوربین مداربسته در نقاط کلیدی روستا به همت دهیاری

- کوه پیمایی به مناسبت هفته بسیج با همکاری کانون فرهنگی شهید مکتبی، گروه کوهنوردی آزاد کوه، دهیاری و پایگاه بسیج در ارتفاعات ناهارخوران گرگان در تاریخ ۲ آذر ۱۴۰۳

- تقدیر از زحمت کشان عرصه سلامت به مناسبت روز پرستار در تاریخ ۱۸ آبان ۱۴۰۳

- درخشش فاطمه سادات حسینی در مسابقات کاراته قهرمانی کشور در بخش کمیته در اسفند ۱۴۰۳ در شهر تهران.

- کشت درخت در بوستان محلی و مرتع روستا همزمان با روز درختکاری

- صعود بانوان گروه کوهنوردی آزادکوه به قله طلا در شهرستان پیشوا، ۲۶ اسفند ۱۴۰۳

- افتتاح زمین چمن مصنوعی روستا در کنار سالن ورزشی، اسفند ۱۴۰۳.

برگزاری بیست و هشتمین یادواره شهدای گرانقدر روستای محمدآباد

بیست و هشتمین یادواره شهدای گرانقدر روستای محمدآباد، چهارشنبه ۱۴ آذر ۱۴۰۳ همزمان با وفات حضرت فاطمه (س) در مسجد جامع روستای محمدآباد برگزار شد. این مراسم پس از نماز مغرب و عشاء با قرائت آیاتی از کلام... مجید آغاز و با خاطره گویی حاج عیسی اترچالی و حاج رسول ولی نی از یادگاران دفاع مقدس ادامه یافت. کلیپی از خاطره گویی های خانواده معظم شهداء که توسط کانون فرهنگی تهیه شده بود به نمایش گذاشته شد که بسیار مورد توجه قرار گرفت. در بخش سخنرانی دکتر احسان مکتبی درباره مسائل روز جامعه و نقش شهروندی به ایراد سخنرانی پرداخت و در ادامه با مداحی برادر طباطبایی فضای مراسم معنوی شد و پایان بخش مراسم پذیرایی از میهمانان شهداء بود.



برگزاری مسابقات جام رمضان و نوروز ۱۴۰۴

در روزهای پایانی سال ۱۴۰۳ و همزمان با ماه مبارک رمضان یک دوره مسابقات والیبال در سطح روستا برگزار شد. در این دوره مسابقات ۶ تیم بصورت دو گروه ۳ تیمی با هم به رقابت پرداختند. که در نهایت تیم بنیامین حمزه ای قهرمان، تیم هادی خورشیدکلایی نایب قهرمان و تیم مهدی مازندرانی مقام سوم را کسب کرد.

همچنین در روزهای آغازین سال ۱۴۰۴ مسابقات فوتسال نیز در سطح روستا برگزار و ۸ تیم در دو گروه ۴ تیمی به مصاف هم رفتند که در پایان مسابقات تیم کیهان رضاپور مقام اول، تیم بنیامین سعادت مقام دوم و تیم احد سعادت مقام سوم را از آن خود کردند. همچنین در پایان مسابقات که با جشن عید فطر همراه شد از سه تن از بانوان فوتبالیست روستا به نامهای مهلا حمزه محمدآبادی، یاسمین بیرجندی و نجمه جعفرآبادی و آقای یحیی صادقی تقدیر شد. از نکات جالب توجه این دوره از مسابقات حضور بانوان روستا بعنوان تماشاچی در سالن بود که با این تصمیم عوامل برگزاری مورد استقبال بانوان قرار گرفت و شاهد حضور پر رنگ آنها در مسابقات بودیم.



مطالبه گری اجتماعی، نیاز جامعه امروز



چرا باید مطالبه گر باشیم؟

کریم محمدی*

متاسفانه

باید به این مسئله اعتراف کنیم
که علارغم اینکه خصلت مطالبه گری به

صورت ذاتی در وجود همه انسان ها هست، ولی این

امر پسندیده در ما ایرانیها پرورش نیافته و به نوعی ما ایرانی

ها زیاد اهل گفت و گو نیستیم و یا بهتراینکه توان بیان مسائل و

مشکلات و حل آنها از طریق گفتگو و مطالبه گری در ما پرورش نیافته

است؛ و اگر هم کمی با هم صحبت می کنیم بیشتر برای این است

که بتوانیم خودمان را ثابت کنیم و به قول معروف حرفمان را به کرسی

بنشانیم. این در حالی است که گفتگوهای دو طرفه بین ما ها بیشتر در

حول و حوش اطلاعات و اتفاقات روز مره مان صورت می گیرد. اما باید

به این نکته اساسی توجه داشته باشیم که مطالبه گری، درخواست

و صحبت کردن پیرامون مسائل و موضوعات مختلف نوعی تعامل

فعالانه و دو طرفه را می طلبد که دانش، آگاهی و اطلاعات ما را

نسبت به یک اتفاق، مسئله و موضوع خاص افزایش می

دهد و سبب می شود که بتوانیم تصمیم درست

تری برای اجرا یا حل مسئله بگیریم.

حالا باید به این سوال

اساسی پاسخ بدهیم

که چرا ایرانی ها با

فرهنگ و تمدن چند

هزار ساله به این

وضعیت گرفتار شده

اند؟ چرا نتوانسته اند

در موضوعات مختلف به

یک فهم مشترکی برسند؟

چرا هر گفت و گویی که

در میان ما شکل می گیرد

به خشونت های کلامی و شاید

هم فیزیکی منجر می شود؟ و چرا

های بسیار دیگر..... قبل از اینکه به این

سوالات پاسخ دهیم ابتدا باید بدانیم مطالبه

گری چیست؟

تکنولوژی ها و عصر اطلاعات و ارتباطات،

افزایش زندگی شهرنشینی و دلیل سوم هم

موضوعات روانشناختی افراد مانند افسردگی

، اضطراب و مسائل رشد بالینی می تواند از

دلایل اصلی باشند. اما در کنار این ها می

توان به عواملی مانند میزان و سطح مطالعه در

جامعه ایران اشاره کنیم که متاسفانه بندرت

مطالبه گری، بیان و طرح یک مسئله

و طلب حقی ضایع شده است که

در راستای برقراری عدالت، مقابله

با خطاها و اصلاح امور در جامعه

صورت می گیرد

می توانیم خانواده ایی ایرانی را پیدا کنیم که

یکی از اعضای آن خانواده کتابی را مطالعه

کند و بخواهد درباره محتوای آن کتاب با

خانواده اش صحبت کند و یا یکی از فیلم

های سینما را ببینند و بتواند در کنار خانواده

به نقد و بررسی آن فیلم بپردازد. براساس

آمار های منتشره میانگین گفت و گوی بین

اعضای خانواده در ایران به طور میانگین ۱۵

دقیقه است و عموما این زمان اندک هم به

صحبت در رابطه با مسائل اقتصادی خانواده

سپری می شود که این واقعیت تلخ را

می توان به عنوان زنگ خطری برای نظام

اجتماعی تلقی کرد بنابراین مطالبه گری

مطالبه گری، به مجموعه اقداماتی اطلاق

می شود که با هدف تحریک و تشویق

کسانی صورت می گیرد که مسئولیتی در

زمینه ای بر عهده دارند تا مسئولیت خود را

به نحو احسن انجام دهند، ازاین روی مطالبه

گری، یک کنش اجتماعی سیاسی است که

با ابزارهای مختلفی می تواند صورت گیرد،

به طوری که هر ابزار مشروعی که بتواند

در راستای این هدف قرار گیرد می تواند

مورد استفاده قرار گیرد. یا به بیان ساده تر

مطالبه گری، بیان و طرح یک مسئله و طلب

حقی ضایع شده است که در راستای برقراری

عدالت، مقابله با خطاها و اصلاح امور در

جامعه صورت می گیرد و باید تا هنگام حل

مسئله پیگیری شود.

در رابطه با پاسخ سوالات مطرح شده دلایل

مختلفی می تواند علت اینکه ما مطالبه گران

خوبی نیستیم و به نوعی آموزش ندیدیم که

چگونه بتوانیم ارتباط خوبی با دیگران برقرار

کنیم و مطالبه گر باشیم. اولین دلیل شخصیتی

است که برخی از ویژگی ها آن هم مادر زادی

است مانند: خلق و خوی مضطرب داشتن،

انگیزه کم برای حضور در جمع و اجتماعات،

افرادی که دارای علایق خاص هستند و بالاخره

کمبود یا نقص آموزش مهارت های اجتماعی

و.... و دلیل دوم فاکتورهای اجتماعی هستند مانند

نیاز امروز جامعه ماست زیرا

برای اینکه ما جامعه ای پویا

و با نشاط داشته باشیم باید

روحیه خواستن، دانستن و

مطالبه گری را در افراد جامعه

افزایش دهیم و لازمه این

اتفاق این است که مسئولین

هم در سطوح مختلف جامعه

خود را پاسخگو بدانند

لذا در پایان پیشنهاد من

به اهالی محترم روستا این است

که مطالبه گری خواستن و پیگیری

حق و حقوق شهروندی برای دستیابی

به آن حق است که در این صورت است که

ما میتوانیم شاهد رشد، رونق و توسعه روستا

باشیم و در این زمینه برای رفع مسائل اساسی

هم مردم و هم مسئولین روستا باید پذیرایی

رفع مشکلات و بهبود شرایط باشند و باید

یاد بگیریم که مطالبه گری ما هم با هدف

اصلاح امور و مسائل مطرح شود. البته باید

به این نکته اساسی هم توجه داشته باشیم که

مطالبه گری بر اساس شیوه درست و صحیح

با ارائه راهکار و پیشنهاد مناسب پیرامون مسئله

مورد نظر صورت پذیرد، مطالبه گری با

اعتراض متفاوت است. برای داشتن روستایی

توسعه یافته و متعالی ما باید مطالبه گری را در

روستا به یک فرهنگ تبدیل کنیم تا خدای

نکرده درگیر تنش های بیشتر و صرف هزینه

وانرژی بیهوده نشویم.

*کارشناس ارشد جامعه شناسی.

منابع:

طلسچی یکتا، جواد؛ پایگاه اطلاع رسانی مدد

رسانی اجتماعی. iraniansocialworkers.ir

- فرج اله، حدیثه، دانشجوی کارشناسی

ارشد مطالعات زنان، فصلنامه مطالعات

کاربردی در علوم اجتماعی دوره ۵۰، شماره ۴

فتایی، تورج و حسین نژاد، علی حسین

پژوهشنامه علوم سیاسی، زمستان ۱۴۰۱،

شماره ۱، ص ۱۶۸

آتش زدن کاه و کُش نابودی محیط زیست

کریم محمدی*

ایجاد کرده ایم و جلوگیری کردیم از اثرات مستقیم فرسایشی قطرات باران بر خاک، تامین غذا کردیم برای دامها، ماده آلی خاک را افزایش داده ایم، از تبخیر زیاد آب جلوگیری کردیم و به اصلاح، تکثیر و حاصلخیزی خاک زمین مان کمک کردیم.

اما برعکس اگر کاه و کُش را آتش بزینم باعث نابودی موجودات مفید در خاک، تغییر شرایط فیزیکی، شیمیایی و بیولوژیکی خاک، افزایش مصرف کودهای شیمیایی و کاهش راندمان آن، ایجاد آشویی و فرسایش خاک در بلند مدت، کاهش رطوبت خاک و افزایش مصرف آب در طول دوره رشد، کاهش قدرت حاصلخیزی خاک می شویم.

در نهایت نتیجه می گیریم که باید به کاه و کُش ها به چشم نعمتی ارزشمند برای زمین های کشاورزی نگاه کنیم، زیرا برای تولید یک سانتی متر خاک حاصل خیز که در آن گیاهان بتوانند رشد کنند بیش از (۴۰۰ تا ۵۰۰) سال زمان نیاز است. بنابراین می توانیم کشاورزان را به سمت استفاده از روش های جایگزین آتش زدن هدایت کنیم مانند: دیسک زدن به صورت عمودی برای خورد کردن کاه و کُش ها در ساعاتی از روز که کاه ها کاملاً خشک شده اند. در پایان به مسئولین روستا پیشنهاد می کنم با توجه به نقش ارزنده ای که روستاها و کشاورزان می توانند در حفظ محیط زیست داشته باشند و از آنجائیکه آتش زدن کاه و کُش مطابق قانون هوای پاک جرم محسوب می شود و برهمین اساس با متخلفان برخورد قانونی می شود و چون اکثر کشاورزان به علت عدم اطلاع از معایب این کار اقدام به انجام آن می کنند، برگزاری دوره های آموزشی و اطلاع رسانی به کشاورزان می تواند بسیار مفید و سازنده باشد.

* کارشناس ارشد جامعه شناسی و مسئول آموزش اداره کل محیط زیست استان گلستان

کشاورزی تک محصولی

سید ابوطالب حسینی

کشاورزی که برای تامین درآمد خود تنها به تولید یک محصول متکی می باشد، اصطلاحاً کشاورزی تک محصولی نام می گیرد که بسیار آسیب پذیر می باشد که با اندک نوسانات اقتصادی یا کاهش تقاضا سریعاً و شدیداً دچار مشکل درآمد شده و منابعش کاهش می یابد.

کشاورزی تک محصولی مبتنی بر یک اصل بوده و تنها یک محصول کاشته می شود و در مقابل این روش متضاد آن چند محصولی می باشد که دو یا چند محصول کشت می شود.

تک محصولی فقط مختص کشاورزی نیست بلکه در فروشگاه ها، رستوران ها، دامداری ها (پرورش یک حیوان خاص) و نیز دیده می شود. کشاورزی تک محصولی اما نقاط قوتی نیز دارد.

۱. افزایش بهره وری: باعث افزایش بهره وری نیروی انسانی در هنگام انتخاب محصول. همچنین کشت یکپارچه یک محصول که کشاورز سعی دارد در شرایط ایده آل آن را انجام دهد. ۲. محصول تخصصی: در روش تک محصولی باعث مشخص شدن کشت یک محصول شده و کشاورز تنها ماشین مورد نیاز کشت این محصول را خریداری نموده و همچنین می داند چه چالش هایی ممکن است در مسیر کشت اتفاق بیفتد و برای هر اتفاق و مشکلی آماده خواهد بود.

نقاط ضعف کشت تک محصولی

۱. چالش مقابله با آفات: معمولاً وقتی زمین به مدت طولانی در معرض یک نوع کشت قرار گیرد آفتی که به محصول جذب می شود بیشتر خواهد شد و باعث افزایش استفاده از مواد ضد آفت و سم پاشی بیشتر و همچنین کاهش محصول می گردد. ۲. تحلیل رفتن خاک: کشت یک محصولی باعث از بین رفتن تعادل طبیعی مواد شیمیایی خاک می شود. که این امر باعث کاهش قابل توجه مواد معدنی در خاک می شود. همچنین کشت یک محصول در زمین تنها یک نوع ریشه برای جذب آب و رطوبت و جلوگیری از فرسایش خاک دارد در حالی که زمین به انواع مختلف ریشه در خاک نیازمند است.



یکی از مشکلات اساسی در حوزه کشاورزی برای کشاورزان روستاها از جمله روستای محمد آباد سوزاندن بقایای گیاهان باقی مانده در زمین، بعد از برداشت محصول (گندم و جو) در اواخر فصل بهار و کامل شالی در اوایل فصل پاییز است که متأسفانه این کار باعث از بین رفتن و تخریب خاک، آلودگی هوا و محیط زیست می شود. کاه و کُش در اصل همان باقیمانده و بقایای گیاهی در غلات است که شامل باقیمانده های برگ ها ریشه ها و ساقه های بعد از برداشت گندم و جو می شود. هر چند سوزاندن کاه و کُش بعد از برداشت محصول از رسوم قدیمی در منطقه است اما در حال حاضر به اشتباه اینگونه تصور میشود که با آتش زدن بقایای محصول نیاز کمتری به استفاده از سم در کشت دوم می باشد در حالی که امروز علم ثابت کرده که این کار ما موجب نابودی اکوسیستم و ویرانی سیستم خاک می شود.

پژوهش های انجام شده در این زمینه نشان دهنده این است که ۹۵ درصد از غذای ما انسان ها از بستر خاک تولید می شود و خاک به عنوان یک موجود زنده در اصل اساس تولید، امنیت غذایی و خودکفایی کشور و اقتصاد ملی به آن وابسته است و به عنوان یک منبع تجدیدناپذیر از خاک یاد می شود. لذا وقتی ما باقیمانده محصولات بعد از برداشت را می سوزانیم در حقیقت این باقیمانده محصولات به تنهایی نیستند که می سوزند بلکه خاک را ما به آتش می کشیم؛ چون کُش یا کاهبن ایستاده، چسبیده به خاک است. در هنگام سوزاندن بقایای دمای سطح خاک به ۴۰۰ درجه سانتیگراد می رسد و این در حالیکه آب در دمای ۱۰۰ درجه می جوشد پس کلا هیچ آبی در خاک سوخته باقی نمی ماند و این خود موجب افزایش مصرف آب در کشت های دوم می شود.

بنابراین اگر ما بقایای محصولات را بعد از برداشت آتش نزنیم، زیستگاهی را برای موجودات ریز خاکی و کرمها،

تاریخچه فوتبال محمدآباد

قربان حمزه محمدآبادی



متن فوق را تقدیم به میکنم به همه بازیکنان و مربیان زحمتکش و عاشق ورزش در روستای محمدآباد. سپس تقدیم می کنم به روح بزرگوار خواهرزاده عزیز و بازیکن ارزشمند و خلاق و گل زن چهاردهم دهه های ۵۰ و ۶۰ تیم فوتبال روستای محمدآباد مرحوم حاج رمضان رمضانپور. ضمناً با احترام قدردان زحمات پیشکسوتان بزرگوار همچون مهندس سید احمد حسینی، سید عباس حسینی، بهرام محمدآبادی و مرحومان: نوروز (علی) قجری، اسدالله ناصری و رمضان رمضانپور که جزء عوامل مستدام ماندن این رشته ورزشی در روستای محمدآباد بودند. همکاری ها و حمایت های بی دریغشان مستدام باد.

بدون شک فوتبال هوشمندانه به مربی هوشمند و خلاق نیاز دارد. قبل از هر چیز یک مربی به عنوان یک رهبر می باید بسیاری از خصوصیات یک رهبر را در حوزه کاری خود تعریف کند. اگر شما با بازیکن ارتباط خوب داشته باشید این به درک متقابل شما و بازیکن کمک خواهد کرد. هوشمندی در ارتباط با بازیکن بسیار مهم می باشد. نباید به بازیکن زیاد نزدیک شد به گونه ای که حجاب میان مربی و بازیکن از بین برود و یا برعکس بسیار دور شدن از بازیکن به گونه ای که همدیگر را درک نکنند. لذا هوش ارتباطی یعنی به موقعیت دقیق و موثر وارد کارزار حل مشکل بازیکن شدن و مرتفع کردن آن. در نتیجه برای این منظور مربی به رفتاری هوشمندانه نیاز مبرم دارد.

ای و نوروز قجری زحمات زیاد را متحمل و متقبل شدند تا این تیم جهت شرکت در مسابقات زیرگروه شهرستان (دسته سوم) گرگان سال ۱۳۶۸ آماده و مهیا باشد. با توجه به اینکه دایی یعقوب حمزه ای (مرحوم جعفر ابراهیم نژاد) در آن زمان از داوران مسابقات بود با مشاوره هایی که به تیم ما میداد کمک شایانی به تیم فوتبال محمدآباد نمود و نامبرده در موفقیت های بدست آمده پس از آن سهم زیادی دارد. تیم فوتبال روستا با توجه به ساختار مدیریتی موفق و حضور بازیکنان متعصب و با قدرت بدنی و تکنیک و تاکتیک بالا در دهه ۶۰ و ۷۰ در مسابقات باشگاهی و جام های روستایی و ... مقتدرانه حضور داشت و در اکثر مسابقات موفق بود.

از سال ۱۳۵۳ تا سال ۱۳۶۷ تیم فوتبال روستا مشغول فعالیت و حضور در مسابقات روستایی و جام های روستایی و مسابقاتی که از طرف نهادهای نظامی در سطح روستاها برگزار می شد بود و در بین ۱۰ الی ۱۵ روستا همیشه جزء سه تیم برتر بود. با شروع جنگ تحمیلی در شهریور ۱۳۵۹ بدلیل شرایط جنگی کشور و حضور تعدادی از بازیکنان در جبهه های جنگ از میزان فعالیت تیم تا حدودی کاسته شده بود تا اینکه در سال ۱۳۶۷ جنگ تحمیلی تمام شد و عمده بازیکنان و دیگران در میدان ورزش خود را یافتند و برای اینکه در مسابقات شهرستان وارد عرصه رقابت شوند باید یک تیم منسجم و قوی می داشتند. جهت راه اندازی یک تیم خوب و منسجم همراه با سرپرست و سرمربی و مربی و ... آقایان یعقوب حمزه



مقام اول مسابقات لیگ دسته دوم باشگاه های شهرستان گرگان- سال ۱۳۶۹



ایستاده از راست: یعقوب حمزه ای، ولی رمضانپور، غلامحسین حمزه ای، سید محمد حسینی، عیسی اترچالی، مالک مازندرانی، حسین ناصری، حاجی یامپی، سید داود حسینی، سید مصطفی حسینی. نشسته از راست: ابراهیم کلاته، سید هادی حسینی، موسی اترچالی، سعد اله (محمد) مکتبی، قربان حمزه ای، محمدجعفر مازندرانی، رضا بیانی

مقام اول مسابقات جام شهدای روستای مرزنکلاته ،
سال ۱۳۶۱ با حضور ۱۰ تیم



ایستاده از راست: احمد رضاپور، غلامحسین حمزه ای، مرحوم رمضان
رمضانپور، سید هادی حسینی، رحمان محمدزاده، عیسی اترچالی
نشسته از راست: سید عباس حسینی، بهرام محمدآبادی، محمدجعفر
مازندرانی، قربان حمزه ای، سید اصغر حسینی

مقام اول مسابقات جام شهدای روستای زنگیان ، سال
۱۳۶۲ با حضور ۸ تیم



ایستاده از راست: قربان حمزه ای، مالک مازندرانی، حسن حمزه ای ،
سید هادی حسینی، علی کلاته میمری، شهید محمد ذبیحی
نشسته از راست: ابوالحسن مازندرانی، مرحوم محمدرضا فجری،
محمدجعفر مازندرانی، سید مصطفی حسینی، احمد سعادت

مقام اول لیگ دسته سوم باشگاه های گرگان ، سال
۱۳۶۸



ایستاده از راست: ولی رمضانپور، سعداله (محمد) مکتبی، سید هادی
حسینی، قربان حمزه ای، حاجی یامپی، محمدجعفر مازندرانی، موسی
اتراچالی، حسین رمضانپور، نورا... سعادت، مرحوم یحیی ملک
عباسی، ابراهیم کلاته میمری، سید مصطفی حسینی، یعقوب حمزه ای
نشسته از راست: غلامحسین حمزه ای، حسین ناصری، سید محمد
حسینی، مالک مازندرانی، مرحوم موسی رمضانپور، مرحوم سید
محمود حسینی، عیسی اترچالی، رضا بیانی، سید داود حسینی، حسین
جعفرنوده، ابوطالب جعفرآبادی

گفتگوی

کوتاه با دختر

فوتبالیست



به اردوی تیم ملی .

۶. در زندگی ورزشی چه هدفی
دارید؟

هدفم اینه که لژیونر بشم و
در لیگ های مطرح کشورهای
اروپایی بازی کنم.

۷. در پایان اگر صحبتی دارید
بفرمایید.

تشکر میکنم از پدر و مادرم که
همیشه حمایت کردن و همچنین
خانم سامقانی و خانم مهاجر -
مریی ام- که تو این راه همیشه
پشتیبانم بودند.

ورزش فوتبال از جمله رشته
هایی است که خیلی ها را
شایسته خود کرده است. به
سراغ یکی از بانوان فوتبالیست
روستا رفتیم که چندسالی است
بصورت جدی فوتبال بازی می
کند و توانسته در همین مدت
خود را به اردوی تیم ملی هم
برساند.

۱. لطفاً خودتان را معرفی
کنید.

مهلا حمزه محمدآبادی متولد
مرداد ۱۳۸۴

۲. از چه زمانی و با کدام تیم
فوتبال رو شروع کردید؟

از هفت سالگی و با تیم
محمدآباد فوتبال رو شروع کردم.

۳. در چه تیمهایی بازی کردید
؟

دو فصل در لیگ دو با تیم
جوانان گرگان و یک فصل هم
با تیم شهرداری کامیاران استان
کردستان در لیگ یک .

۴. الان چه وضعیتی دارید؟

برای این فصل با تیم صنعت
نفت آبادان قرارداد بستم که در
حال حاضر برای این تیم بازی
میکنم.

۵. نحوه دعوت به اردوی تیم
ملی به چه صورت بود؟

در بازی های لیگ دو بود که
از فدراسیون واسه استعداد یابی
آمده بودند که از بازی من
خوششون اومد و دعوت شدم



گفتگو با بهروزان خانه بهداشت روستای محمدآباد

پیشگیری بهتر از درمان است

علی خورشیدکلایی، رمضانعلی حمزه ای



بهروزان از جمله قهرمانان عرصه سلامت می باشند. آنها در مکان هایی با کمترین امکانات و بدون چشم داشتی به ارائه خدمات بهداشتی درمانی همراه با آموزش اولیه بیماران می پردازند. بهروزان وظایف زیادی بر عهده دارند. شغل بهورزی به مجموعه ای از خدمات پزشکی و مراقبتی اطلاق می شود که شامل کارهایی مانند دانش ابتدایی پزشکی، کارهای مقدماتی پرستاری، مهارت اولیه درمانی، تعامل اخلاقی و انسانی با بیماران می باشد. در این شماره به سراغ بهروزان روستا - خانمها حبیبه شعبانی و فاطمه حسینی - رفتیم و در مورد مسائل و مشکلات خانه بهداشت و وضعیت بهداشتی روستای محمدآباد گفت و گو کردیم.*

* در طول گزارش معمولاً هر دو بهروز به سوالات پاسخ می دادند و گاهی جمله های یکدیگر را تکمیل می کردند به همین خاطر جواب های این عزیزان تفکیک نشده و جوابها از زبان هر دو بهروز می باشد.

به مدرسه مراجعه می کنند. البته این نکته رو اضافه کنم که الان تمرکز دانشگاه علوم پزشکی بر روی طرح جوانی جمعیت است که با برنامه ریزی اکثر طرح ها در همین راستا می باشد. خدمات دیگری هم هست. مثلاً شناسایی زوج هایی که مینور هستند (کم خونی دارن) یا بچه های مینور یا معلول های حرکتی و ذهنی، بیماری ها سرطان، افسردگی، معلولیتها، هپاتیت، بیماری های واگیر و غیر واگیر، بیماری های فصلی، بهداشت محیط. مثلاً بعنوان نمونه ما چند مورد آمار خودکشی داشتیم که از طریق سیستم بیمارستان برای ما ارسال شده ولی نمی توانیم بصورت مستقیم بیان کنیم و خانواده ها پذیرش نمی پذیرند و مراقبت های این افراد حضوری انجام نمی شود و متأسفانه خانواده ها هم در مراجعه کردن ضعیف هستند. خدمات دیگه ای هم داریم مثل خدمات دارویی و مکمل های ویتامین D واسه دانش آموزان و زنان باردار. خدمات غربالگری

مثلاً چند نمونه از خدمات این گروه مکمل هایی چون کلسیم، ویتامین دی، قرص آهن برای افراد با مشکل hb پایین و همچنین خدمات (غیر پزشکی) تغذیه، سلامت روان، دخانیات و خطر سنجی (دیابت، فشار خون، چربی خون) در این مرکز انجام می شود. البته در بیماران دیابتی و فشار خون چون آمار بالایی داریم (۱۴۵ بیمار فشار خون، ۱۳۰ بیمار دیابتی) باید ماهی یک بار مراقبت هایشان انجام شود که ما مرتب پیگیری می کنیم. البته ما بیمارها رو ارجاع میدیم به مرکز که آزمایشات لازم گرفته شده و توسط پزشک ویزیت می شوند و دارو به نسبت بیماری شان در سیستم ثبت میگردد و ما از طریق سیستم خدمات را به افراد ارائه می دهیم.

در بحث کودکان، از بدو تولد تا ۶ سال خدمات دهی داریم که شامل قطره ویتامین A، قطره آهن، واکسیناسیون و ... که در حال حاضر مرتباً انجام می شود و در ۶ سالگی جهت دریافت واکسن سه گانه قبل از ورود

۱. چه مدت به عنوان بهروز در خانه بهداشت مشغول فعالیت هستید؟
خانم حسینی از سال ۱۴۰۱
خانم شعبانی سال ۱۳۹۹.

۲. خدماتی که در خانه بهداشت توسط بهروزها انجام می شود چیست؟
ما طبق آماری که داریم (۸۶۳ خانوار) تعداد جمعیت را به گروه های مختلف دسته بندی می کنیم. نوزادان، کودکان، نوجوانان و جوانان، بزرگسالان و میان سالان و سالمندان. و خدمات هر گروه فرق می کند.

مثلاً در کودکان واکسیناسیون، تغذیه انحصاری با شیر مادر و مراقبتهای غیر پزشکی انجام می شود و فرم های مکمل تحویل خانواده ها می شود و مکمل ها سر تاریخ خودش انجام می گیرد. و اگر خدای نکرده کودکانی مشکل دار باشند به کارشناس های مستقر در گرگان ارجاع می دهیم. یا خدمات میانسالان که از ۱۰۰ درصد باید حتماً ۵۰ درصد در طول سال انجام بشود که چون بار مراجعه کننده ها کم است در این بخش مشکل داریم،

سرطان سینه و پروستات.

همچنین یکی دیگر از خدماتی که فقط در مراکز بهداشت ارائه می شود بحث بیماری سل است. حتی بیمارستان ها هم آزمایش سل انجام نمی دهند.

آیا آمار دقیقی از وضعیت سلامت روستا دارید؟

آمار دقیق نه، چون خیلی از افراد مراجعه نمی کنند ولی بیمار دیابتی و فشار خون خیلی داریم.

بنظر شما علت این عدم مراجعه و عدم همکاری چیست؟

اولیش به نظرم نزدیک بودن به شهر گرگان و دوم اینکه ما خدا رو شکر قشر ضعیف به لحاظ درآمد کم داریم. یعنی اشخاص از لحاظ مالی مشکلی ندارند و مسیر هم که نزدیکه یکبار به پزشک متخصص مراجعه میکنند. مسئله بعدی بنظرم بحث فرهنگی یعنی افراد از مراجعه به خانه بهداشت ایا دارند و دونه شان خودشون می دونند. که اینجا مسئله ای که پیش میاد اینه که ممکنه تا رفتن نزد پزشک متخصص دیر بشود و بیماری پیشرفت بیشتری کند که قابل جبران نباشد. و اگر قبل از مراجعه به پزشک ابتدا غربالگری روی این افراد انجام و به لحاظ سلامتی بررسی شوند ممکن است هم در تشخیص و هم در درمان خیلی موثرتر باشد.

ما انتظار داریم یکی از اعضای خانواده سالی یک بار جهت اطلاعات خانواده مراجعه کنند و آزمایش قند و چربی و فشار رو بدهند که این به نفع خودشون هم هست. اگر خدای نکرده بعداً به مراکز درمانی مراجعه کنند اطلاعات شون در سیستم ثبت شده و سابقه بیماری قابل مشاهده است که انجام روند درمانی رو سرعت می بخشد.

آیا در زمینه آگاهی بخشی هم فعالیتی دارید؟

بله، ما کارگاه های آموزشی هم برگزار میکنیم. مثلاً درباره بهداشت روان که داخل ساختمان دهیاری برگزار کردیم. و داخل خانه بهداشت هم در مورد مهارت های زندگی کارگاه آموزشی برگزار کردیم که هنوز ادامه هم داره. فقط مشکلی که در این زمینه داریم عدم مراجعه هم محلی هاست. بعنوان مثال بابت موضوعی به ۲۰ نفر از خانمها زنگ زدیم و تقریباً همه گفتند حضور پیدا می کنند ولی فقط یک نفر مراجعه داشتیم که خب کارشناس ما برای یک نفر کلاس برگزار نمی کند.

چه مشکلاتی دارید؟

مشکلات که زیاده ولی یک مشکلی که قبلاً

هم گفتیم عدم مراجعه افراد به خانه بهداشت برای چک کردن وضعیت سلامتی شان می باشد. مثلاً شخص چند سال نه مراجعه کرده نه آزمایش داده و وضعیت سلامتی اش مشخص نیست. بعد تازه که مراجعه میکند می بینیم قندش بالاست و یک پاش هم بخاطر دیابت احتمال داره قطع بشه و واکسن گزاز هم نزده و که اینجور مواقع خود افراد دچار مشکلات زیادی می شوند، هم به لحاظ جسمی و بیماری و هم هزینه. در حالیکه میشد با مراجعه به موقع قبل از اینکه بیماری به این مراحل برسه جلوگیری کرد. مشکل بعدی افرادی هستند که مخالف واکسن زدن هستند. اینها - معمولاً یک دوره آموزش طب سنتی دیدند - با واکسیناسیون بچه هاشون مخالفت میکنند. چند وقت پیش در همین مسئله صحبتی با دهیار و شورا داشتیم که یک احضاریه فرستادیم درب منزل فرد که در خصوص این افراد رسیدگی انجام گیرد که مسئولیت واکسن نزدن بر عهده خود خانواده باشد. البته این افراد آگاه نیستند که با این کار خودشون تنها آسیب نمی بینند و ممکنه سلامت جامعه رو به خطر بندازند، چون با نزدن واکسن و گرفتن بیماری و انتقالش به دیگران ممکنه صدمات جبران ناپذیری به کسانی که سیستم ایمنی ضعیفی دارند بزنند.

در بحث بهداشت محیط چه

فعالیت هایی دارید؟

اولین کاری که در

این زمینه هر روز

و شاید روزی ۲

بار انجام می

دهیم کلر سنجی

آب شرب

روستا است.

تقریباً بعد از ۴

سال که مشکل

آلودگی آب داشتیم

امسال (سال ۱۴۰۳)

این مشکل برطرف شد.

متأسفانه اداره آب و فاضلاب

به درستی در مورد این مشکل صحبت نمی کرد و از جواب دادن صریح طفره می رفت ولی با احداث چاه جدید خدا روشکر این مسئله حل شد و پیک اسهال و استفراغ که هر سال در تیرماه شاهدش بودیم امسال (۱۴۰۳) نداشتیم.

در بحث زباله، هفته ای دو بار زباله ها جمع آوری میشه ولی مشکلی که اینجا وجود داره زباله گردهایی هستند که سطل های زباله رو زیر و رو میکنند و بعضاً زباله ها رو بیرون سطل می ریزند که هم منظره زشتی ایجاد میشه و هم ممکنه باعث بروز بیماری بشه

که در این مورد هم با دهیاری و شورا صحبت کردیم و پیگیری کردیم با اینکه کمتر شده ولی متأسفانه هنوز وجود دارد.

مسئله بعدی سگهای ولگرد هستند که خیلی زیاد شده و اینها چون وضعیت سلامت و بهداشتشون مشخص نیست و اکثر دور و بر سطهای زباله هستند دچار انواع بیماری ها هستند و ممکنه باعث بروز بیماری های مشترک بین انسان و حیوانات بشوند. متأسفانه بعضی از هم محلی ها از سر دلسوزی به این سگها غذا می دهند و این باعث عادت کردن اونها میشه، بهترین کار اینه که اونها را به مراکز نگهداری سگها بدیم.

موضوع دیگر اینکه محمداًباد تنها روستایی است که ۵ شیفت مدرسه داره و هر شیفت حدود ۲۰۰ الی ۳۰۰ تا دانش آموز داره (مدارس نمونه امام علی، هنرستان سرداران شهید، میثم تمار و شهداء) و بررسی وضعیت بهداشتی شان با خانه بهداشت. البته مشکل اصلی ما بیشتر دبستان شهداء که ما سال قبل بیشتر وقتمون رو در مدرسه بخاطر شیش گذرانیدیم. علت اصلی هم وجود اتباع بیگانه در روستاست که چون در مقابل شیش مقاوم شدند متأسفانه بچه های ما هم دارند دچار می شوند. ما برای بچه ها کلاس آموزشی برگزار می کنیم و در کنارش شامپو و وسایل دیگر مورد نیاز در اختیارشون قرار می دهیم که استفاده هم میکنند و بعد از مدتی چون

خانواده هم رعایت میکنند مشکل

برطرف میشه اما به اتباع با

اینکه آموزش می دیم شامپو

می دیم و ... چون داخل

خانه رعایت نمی کنند

و خانواده مقاوم شدن

دوباره درگیر میشن و

این چرخه دوباره وارد

مدرسه می شود. و بعد

از سه ماه تابستان در اول

مهر همان داستان رو داریم.

حتی با شورا و دهیار جلسه

گذاشتیم که آمار اتباع رو کم کنیم

یا حتی به صفر برساینم که ۵۰ خانوار

شدن ۳۰ خانوار ولی دوباره آمارشان زیاد

شده. بودنشان شاید آمار جمعیتی رو بالا بیره

ولی در کنارش خیلی معضلات و مشکلات

ایجاد می کنند چون فرهنگ شان متفاوت،

زبان متفاوت، و از نظر بهداشتی در خیلی موارد

رعایت نمی کنند. نکته ای دیگه ای که هست

اینکه یک خانواده اتباع بیگانه یک خانه رو

در محمداًباد اجاره میکنه با تعداد خانوار مثلاً

۷ نفر. ولی بعد از چند وقت می بینیم

داخل همان خانه ۵-۶ خانوار با جمعیت ۳۰

نفر زندگی می کنند که اینجا باید اعضای

شورا و دهیار باید ورود پیدا کنند

شفاعت، میانجی گری یا همراهی

مسعود حمزه ای

گروه سوم آیاتی است که شفاعتِ شفیعان غیر از خدا را مشروط به اذن و فرمان خدا می کند که معروف ترین آنها آیه ۲۵۵ سوره ی بقره معروف به آیت الکرسی است.

گروه چهارم که بحث پیرامون شفاعت را کمی عمیق تر می کند آیاتی هستند که شرایطی را برای شفاعت شونده بیان می کنند.

گاهی قرآن این شرط را رضایت و خشنودی خدا معرفی می کند (انبیاء، ۲۸: از آنچه پیش رو دارند و آنچه پشت سر گذاشته اند آگاه است و تنها برای کسی شفاعت می کند که (خدا از دینش) راضی باشد و (علاوه بر این) آنان از ترس او بیمناک هستند). طبق این آیه شفاعت شفیعان منحصر شامل حال کسانی است که به مقام ارتضا یعنی پذیرفته شدن در پیشگاه خداوند رسیده اند.

گاه شرط را گرفتن عهد و پیمان نزد خدا معرفی می کند (مریم، ۸۷: آنها هرگز مالک شفاعت نیستند مگر کسی که نزد خداوند رحمان عهد و پیمانی دارد) توضیح: مالکان شفاعت با شرط مذکور در بعضی تفسیرها مومنین خطاکار تعبیر شده اند و در برخی تفسیرهای دیگر شفیعانی مانند پیامبر و ائمه)

آیت الله خامنه ای در درس خارج فقه خود (اردیبهشت ۱۳۹۳) از تعبیر اغترار بالله (اغترار به معنی مغرور شدن و فریب خوردن) در مورد کسانی استفاده کرد که

کلمه ی شفاعت از ریشه ی شَفَعَ به معنی جفت گرفته شده و نقطه ی مقابل آن و تر به معنی تک و تنهاست، سپس به ضمیمه شدن فرد برتر و قوی تر برای کمک به فرد ضعیف تر اطلاق گردیده است (تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۲۷۱)

در حقیقت شخصی که متوسل به شفیع می شود نیروی خودش به تنهایی برای رسیدنش به هدف کافی نیست، لذا نیروی خود را با نیروی شفیع گره می زند و در

شفاعت از آن دست مباحث دینی است که وقتی در مورد آن صحبت می شود گاهی تردیدهایی را در دل اهل تأمل به وجود می آورد که چگونه گناهان چندین ساله با وساطت یک فرد در قیامت بخشیده می شود؟! آیا نظر قرآن هم همین است یا بخشش به وسیله ی شفاعت صرفاً یک بزرگنمایی از سوی منبرهای شیعه است برای نشان دادن برتری شیعه نسبت به بقیه ی فرقه های اسلام. شفاعت در نظر

شفاعت تغییر نظر خداوند درباره ی گناه نیست و انسان خطاکار نیز در لحظه به حالت قبل از گناه در نمی آید. برگشت از گناه و درآمدن به حالت روحی قبل از گناه مانند طی کردن یک مسیر است و شفیع، همراه و یاور شخص گناه کار در مسیر بازگشت به سوی خداوند است. شفاعت از ریشه ی شفع به معنی جفت است و در دنباله آن می توان شفیع را نیز به معنی همراه و یاور و پشتیبان ترجمه کرد نه وساطت کننده و میانجی.

نتیجه آن را دو چندان نموده و به آنچه می خواهد نائل می شود، به طوری که اگر این کار را نمی کرد (و تنها نیروی خود را به کار می زد) به مقصود نمی رسید چون نیروی خودش به تنهایی ناقص، ضعیف و کوتاه بود. (تفسیر المیزان، ترجمه ی فارسی، ج ۱، ص ۲۳۸)

در قرآن درباره ی مسئله ی شفاعت (به همین عنوان) حدوداً ۳۰ مورد بحث شده است.

آیات قرآن پیرامون مسئله ی شفاعت به ۴ دسته تقسیم می شوند:

گروه اول آیاتی هستند که به طور مطلق شفاعت را نفی می کنند. (بقره ۴۸، بقره ۲۵۴، مدثر ۴۸) در این آیات راه های متصور برای نجات مجرمان غیر از ایمان و عمل صالح چه از طریق پرداختن عوض مادی یا پیوند و سابقه ی دوستی یا مسئله ی شفاعت نفی شده است. در واقع این آیات عموماً خطاب به مشرکین و یا خداپاورانی است که تعبیر و تعاریف دنیایی و عامیانه از شفاعت دارند.

گروه دوم آیاتی است که شفیع را منحصر خداوند می داند (سجده ۴، زمر ۴۴)

بسیاری از ما مفهومی شبیه آنچه در روابط فی ما بین انسان ها می بینیم دارد که در آن یک میانجی گری و وساطت به وسیله ی یک شخص صاحب نفوذ نزد شخصی که قدرت دارد انجام می شود تا نظر شخص صاحب قدرت را تغییر دهد که از اشتباهات و مجازات شخص خطاکار چشم پوشی کند و شخص خطاکار پس از آن بخشش آنی به روال عادی برگردد. در قالب باور عامه ی دینی، شخص صاحب قدرت خداوند است، شخص صاحب نفوذ پیامبران و ائمه و صالحین و شخص خطاکار مسلمانانی که در این دنیا معصیت کرده اند.

چنین تعریفی با متن قرآن و تفسیرهای معتبر شیعه فاصله دارد، تعریفی که در آن شخص صاحب قدرت بیشتر در نظر و اندیشه ی خود تغییر ایجاد می کند تا شخص خطاکار. حتی آیت الله مکارم شیرازی در تفسیر نمونه این تفکر میانجی گری و تغییر نظر خداوند در باب بخشش گناهان (بدون تحول درونی گناهکار) را دوری از اصل توحید و خداشناسی و پرتاب شدن در دره ی شرک می داند (تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۲۸۶)





به امید شفاعت پیامبر و ائمه در گناه گستاخ می شوند و در ادامه افزود: یکی از صور اغترار بالله این است که انسان بدون اینکه وسیله ی تقریبی پیدا کند و نسبت به خدای متعال مسیری در پیش بگیرد، امیدوار باشد بر اینکه خداوند متعال ما را مجازات نمی کند. مثل مرد رند عرق خوری که این جور ی شعر گفت، ساقی کوثر نمی دارد دریغ از ما شراب، عیش ها خواهیم کرد اینجا شراب آنجا شراب. به همین خیال هم باید باشد. یعنی اینجا گناه می کنیم آنجا هم دیگر حضرت هست و دست ما را می گیرد. این اغترار بالله است. امام صادق (ع) می فرماید که رجای تو جور ی نباشد که تو را بر معصیت گستاخ کند (وبگاه Khamenei.ir)

در ادامه ذیل شروط قرآن برای شفاعت (آیات گروه چهارم)، زمانی صلاحیت شفاعت شدن را از بعضی مجرمین سلب می کند، مانند سلب شفاعت از ظالمان (غافر، ۱۸: آنان را به آن روز نزدیک هشدار ده، آن گاه که از شدت ترس جان ها به گلو می رسد و این در حالی است که به شدت اندوهگین هستند و اندوه خود را فرو می برند. ستم کاران هیچ دوست مهربانی ندارند و نه شفاعت کننده ای که شفاعتش پذیرفته شود)

به این ترتیب داشتن عهد و پیمان الهی (یعنی ایمان) و رسیدن به مقام خشنودی پروردگار و پرهیز از گناهای چون ظلم و ستم از جمله شرایطی حتمی شفاعت است و اگر ظلم را به معنی وسیع کلمه تفسیر کنیم، شفاعت منحصر به مجرمانی خواهد بود که از کار خود پشیمان و در مسیر اصلاح هستند و در این صورت شفاعت پشتوانه ای خواهد بود برای توبه و ندامت از گناه (تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۲۷۵)

دقت شود که پشیمانی از گناه مقدمه ای برای شفاعت است و پشیمانی به تنهایی ما را به حالت روحی قبل از گناه باز نمی گرداند. در واقع شفاعت تغییر نظر خداوند

درباره ی گناه نیست و انسان خطاکار نیز در لحظه به حالت قبل از گناه در نمی آید. برگشت از گناه و درآمدن به حالت روحی قبل از گناه مانند طی کردن یک مسیر است و شفیع، همراه و یاور شخص گناه کار در مسیر بازگشت به سوی خداوند است. همانطور که پیش تر گفته شد شفاعت از ریشه ی شفیع به معنی جفت است و در دنباله آن می توان شفیع را نیز به معنی همراه و یاور و پشتیبان ترجمه کرد نه وساطت کننده و میانجی.

درباره ی مسیر ترک گناه و لزوم داشتن همراه و نیروی مضاعف در عوالم پس از مرگ باید به شرایط متفاوت دنیا و جهان پس از مرگ بیشتر دقت کرد، این شرایط متفاوت نیازهای متفاوتی را برای ما به وجود می آورد که شفاعت و همراهی شفیعان از آن دست نیازهاست. در باب متفاوت بودن

از این دنیا دارد؛ مسیری که قاعدتا دشوارتر است و ما نیز تنها تر از قبل باید آن را طی کنیم. لذا این تنهایی در مسیر ترک گناه در عوالم پس از مرگ، لزوم وجود همراه و یآوری که به اذن خداوند به ما کمک کند را بیشتر روشن می کند. این همراهی شفیعان یا همان همراهان همانطور که پیش تر گفته شد پیش شرط هایی دارد که توبه و ایمان و رضای پروردگار و پرهیز از ظلم جرئی از آنهاست.

در روز جزا افرادی که مایه ای از ایمان و تقوا و عمل داشته اما کمبودهایی دارند، لطفی به آن مایه ها اضافه می شود و در اثر جفت و همراه شدن با اولیای الهی، مسیر بازگشت از گناه و مجازات الهی را می پیمایند، بنابراین شفاعت تنها شامل کسانی می شود که تلاشگرند ولی در راه مانده اند و نیاز به قدرتی دارند که در کنار

در روز جزا افرادی که مایه ای از ایمان و تقوا و عمل داشته اما کمبودهایی دارند، لطفی به آن مایه ها اضافه می شود و در اثر جفت و همراه شدن با اولیای الهی، مسیر بازگشت از گناه و مجازات الهی را می پیمایند، بنابراین شفاعت تنها شامل کسانی می شود که تلاشگرند ولی در راه مانده اند و نیاز به قدرتی دارند که در کنار آنها باشد.

آنها باشد (تفسیر نور، ج ۱، ص ۱۱۱)

عوالم پس از مرگ باید یادآوری شود که تقریباً تمامی فضایل و رذایل اخلاقی که ما از آنها به عنوان اعمال نیک و بد یاد می کنیم، در رابطه با انسان های دیگر تعریف می شوند. اگر با کسی در ارتباط نباشیم معلوم نیست مهربان هستیم یا ظالم، راستگو هستیم یا دروغگو، مغرور هستیم یا متواضع، حسود هستیم یا مناعت طبع داریم، پایبند به حقوق دیگران هستیم یا خیر و... . عملاً رسیدن به کمال اخلاقیات که هدف رسالت پیامبر اکرم (ص) است در رابطه با انسان های دیگر محقق می شود. حال اگر نتوانیم در این دنیا اخلاق را به کمال برسانیم و شایسته بهشت شویم، ادامه ی مسیر رسیدن به کمال در عوالم دیگر طی می شود، عوالمی که دیگر اسباب این دنیا را ندارند. در آنجا رابطه ی ما با بقیه ی انسان ها اساساً به نحوی نیست که بتوانیم به حقوق آنها احترام بگذاریم یا حقوق شان را پایمال کنیم، اما به لحاظ روحی در حالت گناهان دنیایی خود باقی هستیم (در واقع همچنان در بند گناهای همچون خشم و حسادت و طمع و غرور و... هستیم) و عبور از این گناهان قطعاً مسیری متفاوت

منابع

- تفسیر المیزان، جلد ۱، علامه سید محمد حسین طباطبائی، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی
- تفسیر نمونه، جلد ۱، آیت ا... ناصر مکارم شیرازی
- وبگاه Khamenei.ir (پایگاه اطلاع رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت ا... سیدعلی خامنه ای)
- تفسیر نور، جلد ۱، حجت الاسلام و المسلمین محسن قرائتی

تاریشه در آبست امید ثمری هست

شوری، سرطان پنهان آب و خاک روستای محمدآباد

امیر سعادت

تان خواهد آمد و چون تمامیت آب های استحصالی چاه ها برای کشت برنج اختصاص داده شده است زودتر خودش رانشان خواهد داد.

- نکته قابل توجه: آب حاصله از چاه، بخشی به تحت الارض میرود و بخشی مصرف زراعت میشود، بخشی هم بوسیله آفتاب تبخیر میشود و بخشی هم بوسیله گیاه تعریقی می گردد. ولی تمامیت نمک موجود در آب، در خاک باقی میماند، امسال و پنج سال دیگر و ده سال دیگر این نمکهای موجود در خاک تجمعش افزون میشود و کشاورزان از وجود این هیولایی خبرند

وسر انجام از جائی

سر بر خواهد آورد

وچهره بی رحم

خودش رانشان

خواهد داد.

پیشنهادی هم

از طریق یکی

از هم محلی ها

به شورای محترم

روستا دادم مبنی

بر اینکه سالی حدود

یکصد هکتار از زمین ها

و آب چاه های روستا را نمونه

برداری و به آزمایشگاه جهت کار تحقیقاتی

بدهیم و یک بانک اطلاعاتی ایجاد کنیم

و بر اساس آن همراه با دو سه نفر از

مهندسين روستا بدون چشمداشت مادی

روی آن بر اساس جواب آزمایشگاه کار

انجام دهیم که چندان مورد توجه قرار

نگرفت.

تا اینکه سال ۱۴۰۲ زمان نزدیک به درو

شالی، همان هم محلی به من زنگ

زد که از شالیزارشان دیدن کنم، علت را

پرسیدم، گفت: حدود بیست و پنج درصد

خوشه های شالی ما خشک شده است و

باید از شوری خاک باشد.

همراه با دوستی که کار مستندسازی میکند

رفتیم سر زمین، درست بود، به همان

نسبت خوشه ها سفید شده بودند بی

آنکه دانه ای داشته باشند. شالی را چندروز

بعد برداشت کرد و وقتی برنجش را دیدم

درصدی از عرض برنج بند داشت.

یکی دیگر از نمودارها PH خاک است، که بین صفر تا ۱۴ متغیر است. که PH پائین تر از ۷ اسیدی، نمودار ۷ خنثی و بالاتر از ۷ قلیائی، بدین معنی که هرچه به شماره PH هفت اضافه میشود افزایش به شوری پیش

میرود و اصلاحا قلیائی خاک میماند.

از پیش دو خاطره در حافظه ذهنم بایگانی

داشتم: یکی از دوستان که خودش مهندس

کشاورزی بود حدود بیست سال پیش، ده

هکتار ذرت دانه ای در یکی از روستاهای

ترکمن نشین کشت کرده بود و ذرتها به

خوشه که رفتند دانه نگرفتند و خشک

شدند و بناچار علوفه ای برداشت

کرد. علتش قلیائی خاک

بود.

مورد دیگر، مرحوم

حاج غلامرضا

شاهینی زمینی در

سقرتیه خریده بود

و چاه عمیق هم

حفر کرده بود و

عده ای از اهالی

محمد آباد شالی

کشت کرده بود و به

علت شوری آب و خاک،

خوشه ها نرسیده سفید شده

بودند.

موردی هم برای خودم پیش آمد، پانزده

سال پیش، برگ نارنگیهای باغم قهوه ای

سوخته شد و حدود هشتاد در صد ریخت،

تحقیقات علت راشوری خاک بیان داشت

و چون سالها آبیاری سنتی انجام شده بود

نمک مختصر در آب چاه در خاک تجمع

شده و موجب ریزش شده بود، ضمن

مطالعه و تحقیق به این قاعده رسیدم:

PH تجمع نمک در برگ ها ده برابر PH

تجمع نمک در خاک باغ است. و دلیلش

هم امکان برگشتن نمک در برگ ها در

فرایند چرخش شیره پرورده در اندام گیاه

بوده است.

حدود شش سال پیش، یکی از هم محلی

ها را دیدم، و شرایط آب و خاک باغم را

برایش صحبت کردم و گفتم، زمین شما

که به نسبت باغ من در قسمت شمالی

تر قرار دارد و با حجم بالا شالی کشت

میکنید، این هیولای شوری خاک به سراغ

آب خالص را" آب مقطر" میمانند، که عایق است و برق را از خود عبور نمیدهد.

- در رابطه با آب و خاک، لازم است

با سه اصطلاح آشنا شویم: EC

اختصار عبارت (Electrical conductivity) است

و هدایت الکتریکی آب است. در واقع به

زبان ساده EC آب یک پارامتر برای "سنجش

محللول در آب" است.

میزان EC مناسب کشاورزی، نشاندهنده

میزان دسترسی به مواد مغزی خاک و آب

کشاورزی است. بالا بودن EC به این معنی

است که آب و خاک کشاورزی موجب

میشود که ناحیه ریشه گیاه فشار وارد شود

و در این صورت جذب آب به وسیله ریشه

مختل میشود، EC بین ۷۰۰ تا ۲۰۰۰ شوری

کمی دارند و برای آبیاری خاکهای با بافت

سبک و متوسط مناسب است.

- اصطلاح TDS اختصار

ToTal Dissolved solids به معنی نشاندهنده

میزان مقدار سختی کل آب است.

به عبارت دیگر چه میزان غلظت مواد

جامد معلق در آب زیادتر شود، آب سختتر

خواهد شد. در محاسبه تی دی اس باید کل

مواد معدنی و آلی را محاسبه کرد.

زمانی که آب در دل زمین از کانهای معدنی

عبور میکند، بخشی از مواد معدنی را در

خود حل کرده و از این طریق وارد آب

میشوند. مانند: کلسیم، منیزیم، پتاسیم، سدیم،

منیزیم، کربنات، بی کربنات و ... وظیفه

آزمایشگاهی TDS تعیین میزان این عناصر در

آب و خاک میباشد.

- نمکهای غیر آلی موجود در آب: کلسیم

، منیزیم، پتاسیم و سدیم که اصطلاحا کاتیون

نام دارند، یون هائی با بار مثبت می

باشند.

- کربناتها، نیتراها، بی کربناتها، کلریدها،

سولفاتها، همگی آنیون و با بار منفی

هستند. هرچه در صد موارد فوق در آب

بیشتر باشد، هدایت الکتریکی بیشتری دارد

و آب به سمت کزی، تلخی و بد مزگی

میرود.

میزان TDS مناسب برای کشاورزی به میزان

کمتر از ۱۰۰۰ برای اغلب گیاهان مجاز

است. برای گیاهان حساس تر نسبت به

شوری مانند صیفی جات و گیاهان گلخانه

ای TDS کمتر از ۳۰۰ توصیه میشود.

من بهش قول دادم که زمینش را احیا خواهم کرد.

قرار شد زمین را ابتدا شخم کنند، و لازم بود یک زیر شکن تهیه شود، به چند تولیدکننده ادوات کشاورزی از استان های دیگر تماس گرفتیم، قیمت پنجاه تا شصت میلیون تومان اعلام شد. نزد استاد قاسم دیکس ساز رفتیم و الگوی کار را از روی نمونه ای که در گوشی داشتیم، نشان دادیم. و تاکید شد، تهیه مصالح با ما و طوری ساخته شود در هر شرایط فشار، کج و خمیدگی نباید. مصالح تهیه و ساخت کاربا ۱۸ میلیون به اتمام رسید و به فاصله یک متر از هم در جهت شیب زمین زیر شکن زده شد و با آب شیرین رودخانه یکبار آبیاری شد و کود گوگردی کشاورزی برای هر هکتار پاشیده شد و کلزا کشت نمود.

بعد از برداشت، از شرایط کلزا پرسیدم بسیار راضی بود و با اینکه در فصل بهار پیش از برداشت دوبار باد سخت وزید بود و ریزش داشت باز هم بیش از سه تن در هکتار برداشت داشت و پسرش گفت: بهترین کلزای منطقه را ما داشتیم.

من دلم بود بعد از کلزاشالی کشت نکنند تا زمین حال و جان بگیرد، ولی مطرح نکردم و شالی کشت کرد و امروز مورخ ۱۴۰۳/۶/۳۰ برداشت کرد هکتاری ۷ تن برداشت شالی فجر داشته و خیلی راضی بود و مشکل خشک شدن خوشه های شالی را هم نداشت.

یکی از شیوه های دیگری هم که برای کشاورز چندان هزینه ای ندارد و میتواند در احیای آب و خاک کشاورزیش همت گمارد، بهره گیری از دود حاصله موتور پمپ و هدایت آن به داخل جوی آب است. که با لوله کشیدن از اگزوز تراکتور و یا موتور

پمپ به راحتی با کمترین هزینه ممکن میشود.

با این شیوه از بهره گیری دود حاصله آب چاه اسیدی میشود PH آب اسیدی شده و تمام املاح موجود در آب و از جمله شوری و نمک در آب راحلالت ایجاد کرده و به تبعش در خاک نیز بهبودی کامل حاصل خواهد شد.

- دو شیوه دیگر برای حلالیت سدیم موجود در آب و خاک وجود دارد :

۱- دستگاه گوگرد سوز.

۲- بهره گیری از گچ کشاورزی (یک پایه این گچ گوگرد میباشد).

عموما این دو شیوه که پرهزینه هم هست برای زمینهای کاملاً شور بکار میرود که از بحث و تحلیلش خود داری میکنم.

بنده از شرایط بیش از ۸۰ درصد آب و خاک زمینهای کشاورزی روستای محمد آباد دلواپسم و مطمئن هستم این هیولا همانگونه که از زمین باغ من سر بر آورد، نه چندان دیر، از زمینهای دیگر، قطعاً و یقیناً سر بر خواهد آورد.

- نکته آخر: این مطلب را هم واقفم، که بالاترین درآمد مالی اهالی روستای محمدآباد، از کشت برنج است، تولید برنج با تمام ارکان زندگی اهالی گره خورده است، تناسبی است بین افزایش شوری آب و خاک و کاهش تولید محصول در واحد سطح، لذا بیش از هر مطلبی، موظفیم به حفظ سلامت آب و خاک کشاورزیمان، تا آب و خاک مان سلامت است، امید ثمری هست، تمام کار شناسان اصلاح آب و خاک بر این باورند اصلاح آب و اصلاح هزاران تن خاک از مشکلترین امور بهبود سازی آب و خاک است، کوشیدم از راهکارهای بسیار ساده و ارزان قیمت راه های اصلاح

آب و خاک را بیان کنم، ضمن اینکه بهره گیری کشاورزان از کودهای رایج . بطور آخص از کودهای بهره میگیرند که دارای نمک است. و استفاده از این کودها شوری خاک افزوده و به سمت قلیائی شدن خاک سرعت می بخشد و منجر به تخریب خاک میشود. کودهای مخصوصی برای آب و خاکهای کشاورزی دارای سدیم وجود دارد بنام "کودهای سولفات" میباشد که یک پایه ثابت این کودها وجود درصد زیادی گوگرد است و گوگرد مادر اسیدهاست و ترکیب گوگرد با رطوبت خاک، تولید اسید میکند و اسید قویترین عنصری است که میتواند در حلالیت سدیم خاک کمک زیادی بکند.

مانند : سولفات آمونیوم (که بجای کود ازت بکار میرود)

سولفات پتاسیم و..

بهره گیری از کودهای گوگردی غنی شده از عناصر مورد نیاز گیاه هم بسیار مفید است و هم نسبت به کودهای سدیم دار ارزانتر میباشد.

همراه و در داخل کودهای گوگردی، بسته کوچکی در پلاستیک جدا در داخل کیسه به کیسه کود دوخته شده که " باسیلوس" نام دارد، باسیلوس را باید با کود گوگردی درهم آمیخت. باسیلوس به حلالیت کود گوگردی، همراه با ترکیب رطوبت خاک به تبدیل شدن گوگرد به اسید سرعت میبخشد و در احیای خاک و تکثیر موجودات تک سلولی در خاک کمک میکند.

مطالب این مقاله شامل زمینهای شمال آب بندانها که کشت شالی میشود نمی شود. در آن زمینها "انقلاب سبزی" انجام شده که مقاله و تجزیه و تحلیل دیگری را می طلبد.



گفتگو با یک رزمنده

محمدآبادیها خیلی میان جبهه خیلی همت داران

علی خورشید کلابی

در این شماره گفت و گویی با یکی از رزمندگان دفاع مقدس داشتیم که بعنوان سرباز در جبهه ها حضور داشت و قسمتی از خاطرات آن روزها را به زبان شیرین خودش برای ما تعریف کرد. گفتگو کاملاً به زبان محاوره و با گویش روستای محمدآباد انجام شده و تغییر دادن آن از لطف و شیرینی آن می کاست. پس با کمترین دخل و تصرف آن را منتشر نمودیم.



گرم بود رفته بودم داخل مسجد یکم دراز بکشم بخوابم دیدم نقی شاهکومحلی اونجا خوابیده. یا رفتم حمام دیدم موسی اترآجالی اونجا بود.

عملیات آزاد سازی خرمشهر

یکی از عملیات هایی که بودم عملیات خرمشهر بود که عملیات صبح تمام شد. منم کنار خیابان ایستاده بودم منتظر یک سروان بودم که بیاد و پنج تا کمپرسی مهمات که تحویل من بود رو ببریم. همینجور که منتظر بودم دیدم حاج عیسی اترآجالی و سید رضا حسینی (آق حسن) با ماشین داران میران. که با های و هوی و سر و صدا متوجه شان کردم و ایستادن و یکم با هم صحبت کردیم. گفتان ما فردا داریم میریم محمدآباد کاری نداریم. گفتیم فقط اگر کسی خبر گرفت بگین تا فلان وقت زنده بود. اینا رفتان و افسره نیامد. قراره ما ساعت ۶،۵ بود ولی ساعت ۸ شده بود و هنوز نیامده بود. هواپیماهای عراقی هم یکسره با موشک میزدان. من دیدم یک ماشین روشن نوشته ل ۱۶ یعنی لشکر ۱۶ راننده اش رو تو مقر خودما دیده بودم و شناختم رفتم جلو خودمو معرفی کردم و گفتم اگر متانی با بی سیم فرماندهی بگیر که آگه نیان هواپیما عراقی این مهمات رو مزنن. کد سرهنگ ما رو داشت و با بی سیم جریان رو بهش گفت اونم گفت تو خودت فعلاً مهمات رو ببر یک جای امن تا خود سرهنگ بیاد. راننده هم دور زد و گفت دنبال من باین منم پریدم رو رکاب کامیون و دنبالش رفتم. یکی دو کیلومتر رفتم سمت اهواز رسیدیم به یک خاکریز چهار گوش که قبلاً مال عراقی ها بود گفت برین داخل همین تا سرهنگ خودش بیاد. خلاصه سرهنگ هم آمد و ما مهمات رو تحویل دادیم و گفتم تا اینجا آمدیم

حیدر (شعبانی) و ابراهیم (ناصری) یکبار آمدان پیشم. تازه ساعت ۳-۴ بعدازظهر زیلو گرفته بودم زیر سایه تریلی دراز بکشم. شنیدم صدای یک نفر میاد که مگه شما اینجا سربازی به نام نوروزعلی ذبیحی دارین؟ من تا شنیدم از همون زیر تریلی داد زدم من اینجا ام من اینجا ام. و همدیگه رو دیدیم. آدمی که دور از خانه و یک جا غریب باشه وقتی یک هم محلی و آشنا میبینه میخواد بال در بیاره. شب رفتم پیش اونا که دشت آزادگان بودن و بچه های دیگه مثل نورعلی یساقی و جلال حسینی و اونجا بودن. دقیقاً شبی بود که حزب جمهوری رو منفجر کرده بودن.

اون اوایل با توجه به حضور کمتر نیروهای بسیجی در جبهه فقط یک گروه ۴۰-۵۰ نفره بودند که زیر نظر شهید چمران آمده بودن که اونا رو هم لشکر ما حمایت میکرد. حضور بسیجی ها در جنگ از آبان سال ۵۹ به بعد شروع شد اول هم همه بسیجی های همه شهرها یک جا جمع می شدند. دیگه یواش یواش زیاد شد و بچه های محمدآباد هم خیلی بعنوان بسیجی می آمدند. دیگه جوری شده بود تو هر مسجد و جای عمومی مثل حمام و ... مرفقی چند تا محمدآبادی اونجا بود. مثلاً یک روز رفته بودم اهواز ظهر هوا

نوروزعلی ذبیحی فرزند مهدی متولد ۱۳۴۰/۲/۱ هجری شمسی، پدرم در اصل زیارتی (اهل روستای زیارت) بود و مادرم محمدآبادی.

سربازی

۱۷ دی ۱۳۵۹ رفتم سربازی. از محمدآباد ۲۶ نفر بودیم. از همین جایی که الان جهاد کشاورزیه که اون موقع شرکت خاور بود. ۷ نفر از ما افتادیم نیروی زمینی بقیه هم رفتان نیروی هوایی. من و رضا چهارطاقی، قاسم محمدزاده، یوسف مازندرانی (غلام)، شهید عیسی (رمضانپور) و ... رفتیم پادگان چهل دختر شاهرود. حاج محمد ما هم بعد از جنگ گنبد رفت سیستان و بلوچستان و ۶ ماه نیامده بود. بعد ۶ ماه آمده بود مرخصی و سر راه آمد پادگان چهل دختر من رو دید و بعد آمد گرگان و بعدش هم رفت جبهه. بعنوان اولین نیروهای بسیجی از شهر گرگان اعزام شدند که پنج نفر بودند. حاج محمد ذبیحی، قربان حمزه ای، محمد جعفر مازندرانی، سید مصطفی حسینی (ولی اله) و مالک مازندرانی. بعد آموزشی ما رو تقسیم کردن افتادیم لشکر ۱۶ قزوین. و بعدشم رفتیم جنوب (منطقه خوزستان). یکی دو ماه هم جنوب بودیم که حاج محمد ما هم آمده بود خانه و دوباره آمد جنوب. چند تا از بچه ها مثل قربان حمزه ای، جلال حسینی، حیدر شعبانی و ابراهیم شهید (ناصری) و ... یکماه بعد از ما آمدان جنوب همون لشکر ۱۶ قزوین ولی تیپ ۳ همدان افتادن. ولی من تیپ یک خود قزوین بودم. خلاصه بعد یک مدت گشتیم همدگه ر پیدا نکردیم. من آدرس نوشتیم انداختم صندوق پست و اینا از طریق نامه ادرس منو پیدا کردن. اون موقع تو حمیدیه بودم. خدا بیامرز



یک سر بریم خرمشهر را ببینیم حالا که آزاد شده. من و همسنگرم که اهل ساری بود رفتیم جلو مسجد جامع خرمشهر که یکهو عراقی ها با کاتیوشا شروع کردند تیراندازی. تو یک محوطه تقریباً ۱۰۰ متری زمین را مثل لانه مورچه سوراخ سوراخ کرد. من یک دوربین دستم بود به رفیقم گفتم دنبال بیا و رفتم یک جای گلوله توپ بود که یکم چاله تر بود خودمو انداختم داخل چاله و ملت هم ریختن روی ما. ما چیزی مان نشد ولی اونا که بالا بودن همه ترکش خوردان. وقتی بلند شدیم رفیقم گفت تو چرا سر و صورتت خونی یک نگا کن شاید تیر خوردی گفتم اگه تیر خورده باشم باید جاش سوز بگیره ولی من چیزی حس نمیکنم. خلاصه ما از ترس فرار کردیم رفتیم سمت آبادان که اونجا هم پل بین خرمشهر و آبادان خراب بود دوباره همون مسیر رو برگشتیم.

عملیات ها

عملیات حصر آبادان، بیت المقدس، فتح المبین، عملیات مسلم بن عقیل، آزادی بستان هویزه، آزادی خرمشهر، آزادی سومار. که همه اینها تو دوره خدمت سربازی بود. ۱۸ ماه خدمت و ۶ ماه احتیاط هم نگه می داشتن. که تو دوره احتیاط ازدواج کردم و بعد از خدمت هم درگیر زندگی و بچه و .. شدم دیگه منطقه رفتم ولی بعنوان بسیجی نگهبانی داخل شهر گرگان و محمدآباد و برنامه های دگه رو زیاد مرفتم.

کمک دیده بان

۵ ماه کمک دیده بان بودم که معمولاً دیده بان ها رو بخاطر محاسبه مسافت و صدا و لیسانس به بالا می گرفتند. یک دیده بان داشتیم بچه بندرانزلی بود که خیلی با سواد بود به نام ایوب سهرابیان. بعد از ۵ ماه که فهمید نامزد گرفتیم مجبورم کرد که از پیشش برم. یکی دو بار هم نزدیک بود گیر بیفتم ولی خدا نخواست. غروب که می شد من باید می رفتم جیره دیده بان رو میدادم. که معمولاً مرفت جایی بین پیاده دشمن و پیاده خودما مستقر می شد که به دو طرف دید داشته باشه و مسلط باشه. یک بار سمت یک رودخانه خشکی بود بهش می گفتم کرخه کور جاده اش از بین سوسنگرد و کوت عبدالله مرفت بهش میگفتان چهار راه پیروزی من با موتور تا جایی که می شد مرفتم و بعد موتور رو تو یک چاله ای جایی میزاشتم و یا اون می آمد عقب تر یا آدرس مداد من مرفتم پیشش.

یک شب جایی قرار گرفته بود و به من گفت آدرس مدم بیا. یک کانالی بود که عمقش در حدی بود که اگر سینه خیز

مرفتی دیده نمشدی ولی اگر یکم کمرت بالاتر می آمد معلوم میشد. گفت کانال رو بیا یک جا دو راهی میشه بیا سمت راست. من پشت بی سیم بد متوجه شدم و فک کردم گفت نیا دست راست و اشتباهی رفتم دست چپ که یکم جلوتر رفت داخل رودخانه. اونم دید من طی اون فاصله ای که باید می رسیدم نرسیدم فهمید اشتباه رفتم و یا یک چیزی شده. اون گشتی های عراقی رو دیده بود ولی اون سمت بود و من این سمت. طی این فاصله یک بار فقط بی سیم زد که هر جا هستی تکان نخور و بی سیم رو خاموش کن. عراقی ها هم ۸ نفر که ۴ تا گروه دو نفره بودن آمده بودن گشت زنی. رودخانه هم مثل همین قره سو درخت گز داشت. من رفتم داخل رودخانه و رفتم زیر یکی از همین گز درخت ها پناه گرفتم و صدای گشتی های عراقی رو که شنیدم با فاصله دو سه متر بالا سر من لب رودخانه بودند. هوا هم دم اذان غروب بود و گرگ و میش بود. گفتم اگه تکان بخورم کارم تمامه. اشهدم رو خواندم و خیلی یواش اسلحه ام رو آوردم روی سینم که اگر منو دیدن بتانم تیراندازی کنم و بیحرکت ماندم. دو تا عراقی یکم نگاه نگاه کردن و یک مرتبه از اونور یکی شان گفت تَعَل تَعَل یعنی بیا بیا اونا هم رفتن. بعد چند دقیقه که همه جا ساکت تاریک شد بی سیم رو روشن کردم رفیقم آمد رو خط من و گفت راه رو اشتباه رفتی برگرد سر همون سه راهی داخل کانال نشستیم. رفتم دیدم منتظرمه. گفتم یک دقیقه دگه رفته بودم اون دنیا گفت نه من حواسم بهت بود اگه می دیدنت اینقدر آتیش میریختم که نتانن کاری کنند. خلاصه اون شب بخیر گذشت. چند بار پشت بی سیم باهام خداحافظی کرد گفت محاصره شدم و احتمالاً گیر بیفتم ولی بازم نجات پیدا نکرد. بعد از تمام شدن خدمتم

د یگه خبر شو نداشتم.

خاطره

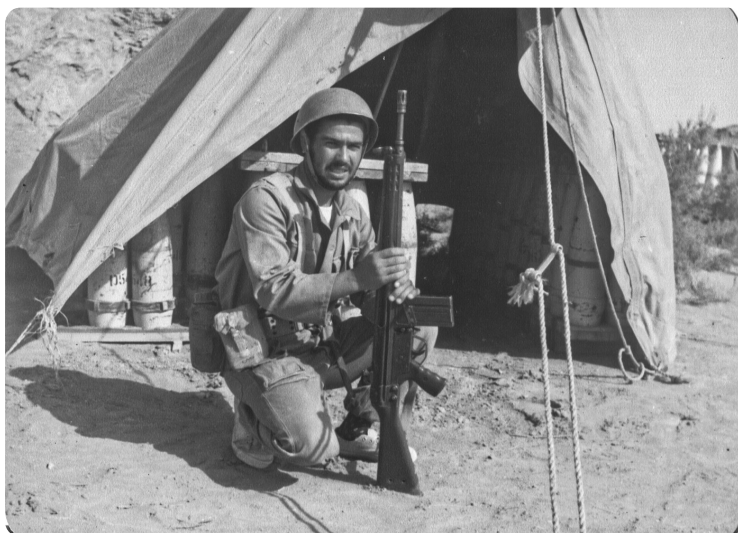
یک بار رفته بودم پا یگا ه شهید بهشتی اهورا دیدم فر ما نده شان داره

صحبت

می کنه و همه به

صف شدند. من نمی دانستم فرماندشانه. دیدم هر چی آدم تو صفه همه محمدآبادی مثلاً صفر اترجالی دژبان بود اسماعیل رضایی و غلامعلی ناصری یخکش بودند. بی هوا گفتم هییییی همه تان آمدین اینجا اگه یک نفر محمدآباد بمیره زنا باید برن دفن اش کنن. یک مرتبه همه خندیدن فرمانده گفت کی بود؟ چی بود؟ خلاصه بهش گفتان یک نفر محمدآبادی اینجوری گفته صفر اترجالی ر فرستاد دنبال ما که برو بیارش. رفتم گفت چی گفتی اینا همه خندیدان. گفتم برادر من حرف بدی نزد. دیدم همه اینجا محمدآبادین گفتم اگه یک نفر بمیره زنا باید دفن اش کنن. (۲۶ نفر گروه ماه بود که سرباز بودیم. ۱۷-۱۸ نفر گروه جواد مازندرانی شان بودان که اونا هم سرباز بودند، ۷۰-۸۰ نفر هم که داخل صف بودان مگه محمدآباد چقدر جمعیت داره ، ۴ تا پیرمرد مانده). سر منو ماچ کرد و گفت راست میگی. محمدآبادیها خیلی میان جبهه. خیلی همت دارن.

همون موقع ها بود که حاج محمد هم مجروح شد. آمدم داخل پادگان از اسماعیل رضایی خبر حاج محمد ر گرفتم گفت همه آمدان جز حاج محمد. گفتم هیچی حتماً شهید شده. برادر خانمش (رضا چلچله) هم بود گفت رضا جعفری که اون موقع داخل تعاون سپاه بود اسمش رو داخل لیست مجروحین آبادان دیده. پیداش کردم و ازش پرسیدم گفت من تو لیست مجروحین آبادان اسمش رو دیدم، پس تا بیمارستان نفت آبادان آمده و احتمالاً بردنش ماهشهر. ساعت ۳ بعد از ظهر بود من دیگه سمت واحد خودما رفتم موتور رو همونجا جلو پادگان انداختم و ماشین سوار شدم رفتم ماهشهر ۲ ساعت بعد رسیدم ماهشهر اذان غروب شد. سوال کردم اینجا بیمارستان کجایه؟ گفتن بیمارستان ماهشهر نو هست



اینجا ماهشهر کهنه . حالا وسط این دو تا زمین کشاورزی و تقریباً ۲۰۰ متر باید پیاده می رفتم راه افتادم با تفنگ رو دوشم سمت ماهشهر نو رسیدم جلو بیمارستان ساعت ۶ غروب بود یک خانم اونجا نشسته بود و داشت شام می خورد گفتم خانم اینجا بیمارستانه؟ گفت اره گفتم مجروح جنگی هم دارین؟ گفت اره . گفتم مجروحی به نام محمد ذبیحی دارین؟ گفت نمی دانم بیا این دفتر ر نگاه کن اگه باشه داخل همینه نگاه کردم الان کدام اتاقه؟ گفت اینجا بود ساعت ۵ با هواپیما بردنشان اصفهان.

حالا اینجا هم نه هتلی نه مسافرخانه ای هیچی نداشت. گفت برو ماهشهر کهنه یک قهوه خانه هست شاید جا داشته باشه. دوباره پیاده راه افتادم و رفتم تا قهوه خانه ر پیدا کردم . یک پیرمرد صاحبش بود. گفتم شام داری؟ گفت نا . فقط یک کاسه خورش دارم. گفتم بیار با یکم نون که فقط پشه بخوری. ۴۸ ساعت نا خواب داشتم نا غذا از گلویم پایین رفته. گفت جا ندارم. گفتم زمین که مشه بخوابی گفت پشه خاکی پوستت ر مکنه . گفتم ته فقط بزار من اینجا بخوابم جایی ندارم برم . گفت یک تخت اونجا هست ولی یک نفر رزرو کرده اگه آمد که همینجه رو زمین بخواب اگه نیامد رو تخت بخواب. من غذا رو خوردم و اونم نیامد و رو همون تخت خوابیدم و یک کلاش تاشو داشتم جمع کردم گذاشتم زیر شکم و دمر خوابیدم. نفهمیدم کی صبح شد. صبح برگشتم واحد خودما تو سوسنگرد و

گفتم جریان از این قراره و مرخصی مخوام و باید برم. ۵-۶ روز هم بیشتر مرخصی نداشتم. یکم بهانه آورد که مرخصی کم داری و گفتم اگه مرخصی بدی هم مرم اگه ندی هم مرم چون کسی نیست پیگیر کار برادرم بشه. گفت پس بزار بعد از ظهر سرهنگ بیاد بهش بگم بعد برو. سرهنگ آمد و گفت چرا مرخصی ندادی . با بی سیم هماهنگ مکردی مفرستادی بره (از قبل سر قضیه مهمات منو می شناخت). خلاصه مرخصی گرفتم و ساعت ۵ غروب از اهواز تو اتوبوس نشستم و ۵-۶ صبح رسیدم اصفهان. آدرس درستی هم نداشتم فقط برادر خانم حاج محمد آدرس یک بیمارستان ر داده که اسم اونو هم درست یادم نبود اون موقع. خلاصه یک تاکسی گرفتم و گفتم جریان اینجوریه و دنبال مجروح جنگی مگردم. گفت اینی که تو میگی آخرای اصفهانه ولی غصه

نخور میگردیم هر جور شده پیداش میکنیم. اینو هم بگم که مردم اصفهان در زمان جنگ خیلی مردانگی کردن. به محض این که می فهمیدن رزمنده ای یا دنبال مجروح جنگی هستی همه جوهره کمک می کردند. تاکسی های اصفهان اون موقع شیفت شب و روز داشتن و راننده بعد یکم گشتن و پیدا نکردن گفت من شیفتم داره تمام شده و ساعت ۷ بعد نمانم تردد کنم ولی میسپارم یکی از همکارا که پیداش کنی. خلاصه سوار شدیم و گفت تو مسیر یکی دو جا سوال میکنم شاید باشه و بعدش داخل خیابان اصلی میسپارم به یکی از همکارا. اولین جا رو سوال کرد نبود دومی رفت یک دانشکده بود سوال کرد گفت اره طبق لیست همین جا باید باشه. من از راننده تاکسی تشکر کردم و رفتم داخل . نگهبان گفت داخل اتاق میخوای بری در بزن یک خانم داخل اتاق هست . گویا خانمش تازه از گرگان رسیده بود. رفتم و در زدم حاج محمد تا چشمش افتاد به من گفت خانم بلند شو نوروز آمده. خیلی درد داشت و تحمل دردش سخت بود و از درد زیاد فقط داد میزد. یک مجروح مشهدی همون بخش بود که حاج محمد گفت برو خبرشه بگیر وقتی رفتم پیشش میگفت من از درد با این (حاج محمد) رفیق شدم . میگفت از بس که داد مزنه از خدا مخام یکم از دردش کم کنه بده به من تا یکم آرام بگیره. به خانمش گفتم تو برو من هستم ده روز مرخصی دارم گفت نه. تو



برو . محمدآباد دلواپس تو هم هستن. منم رفتم گرگان و برگشتن ۲۰ نفر روانه شدن با من بیان . حالا بلیط هم گیر نمی آمد تا تهران با مینی بوس رفتیم و خلاصه به هر سختی بود رفتیم اصفهان من دو روز ماندم و برگشتم اهواز و خواهرم پیش حاج محمد ماند و بقیه برگشتن گرگان .

خودتم مجروح شدی؟

دو بار مجروح شدم ولی بخاطر ترس از آمپول نرفتم بیمارستان. یک بار ترکش بمب خوشه ای خورد به سرم . یک بارم گلوله توپ افتاد رو دستم . من یکم پیش مصیب امیر خان (مصیب سعادت) دوره دیده بودم با تخته اتل درست کردم و بستم همه مگفتان برو دکتر این گزاز بگیره مکشت مگفتم من بلا نمزنه.

خاطره

سه راه جغیر از پادگان حمیدیه به سمت مرز ایران و عراق که میری یک سه راهی هست که یکی مره هویزه و سوسنگرد و یکی هم یادم نیست به کدام سمت مره. اونجا سر سه راهی یک تانکر آب گذاشته بودن و داخلش یخ میریختن هر روز که رزمنده ها از اونجا آب سرد بردارن ما هم مهمات برده بودیم و برگشتن به راننده کامیون گفتم نگهدار من آب بگیرم. از دور چشمم افتاد به خدایامرز (شهید) شعبان علیپور کنار تانکر ایستاده بود و منتظر بود که نفر جلویی آب بگیره. پشتش به من بود و من رو ندید. گفتم بزار یکم سر به سرش بزارم. رفتم پشت سرش و یک تنه بهش زدم و گفتم : برو اونورتر تانکر ر نخیریدی که مال پییرت که نیست . کفشاش نیگا مٹ قبر خوردک و چه ر ممانه . شعبان دید یک نفر با لهجه غلیظ داره مدبادی صحبت منه برگشت . من سرم انداختم پایین کلاه هم سرم بود . یقه ام گرفت گفت ببینم ت کی هستی ؟ گفتم یقه منه ول کن . وقتی چشمم افتاد به من گفت خدا نکشت نوروز من گفتم خدایا کیه که اینجور داره غلیظ مدبادی صحبت منه.

تاریخچه و روش‌های ساده انتقال فایل

علی حمزه ای

پیشرفت تکنولوژی، انتقال فایل سریع‌تر و راحت‌تر شده است. در این مقاله، با زبان ساده به بررسی تاریخچه و روش‌های جدید انتقال فایل می‌پردازیم.



انتقال فایل یعنی فرستادن یا به اشتراک گذاشتن یک فایل از یک دستگاه به دستگاه دیگر. مثلاً وقتی می‌خواهیم یک عکس، فیلم یا سند را به دوستانمان بفرستیم. این کار از گذشته تا حالا با روش‌های مختلف انجام شده است و با

۱. تاریخچه انتقال فایل

الف. روش‌های قدیمی: فلاپی دیسک و Cd

در گذشته، مردم برای انتقال فایل از فلاپی دیسک‌ها یا Cd‌ها استفاده می‌کردند. مثلاً اگر می‌خواستید یک عکس یا موسیقی را به کسی بدهید، آن را روی Cd می‌ریختید و به او می‌دادید. اما مشکل این بود که اگر Cd خط می‌افتاد یا خراب می‌شد، فایل از دست می‌رفت.

ب. فلش‌ها و Usb

بعدها فلش‌ها و Usb‌ها آمدند که هم سرعت بیشتری داشتند و هم ظرفیت بیشتری. شما می‌توانستید مقدار زیادی فایل (عکس، فیلم، موسیقی و غیره) را روی یک فلش ذخیره کنید و آن را به هر کسی بدهید. هنوز هم بسیاری از مردم از فلش برای انتقال فایل‌ها استفاده می‌کنند.

۲. روش‌های جدید انتقال فایل

الف. ایمیل: ساده و محبوب

یکی از ساده‌ترین روش‌ها برای ارسال فایل، ایمیل است. شما می‌توانید عکس یا سند خود را به ایمیل ضمیمه کنید و به دوست یا همکار خود بفرستید. اما ایمیل یک محدودیت دارد: اگر فایل شما بزرگ باشد (مثلاً یک فیلم یا پروژه بزرگ)، ایمیل نمی‌تواند آن را بفرستد.

ب. پیام‌رسان‌ها (واتساپ و تلگرام)

خیلی از مردم امروزه از پیام‌رسان‌هایی مثل واتساپ یا تلگرام برای ارسال فایل‌هایشان استفاده می‌کنند. مثلاً شما می‌توانید عکس یا ویدیوی خود را در واتساپ به دوستانتان بفرستید. این روش خیلی سریع و آسان است، اما گاهی کیفیت فایل کاهش می‌یابد.

ج. خدمات ابری (Cloud Services)

خدمات ابری مثل Google Drive و Dropbox راه دیگری برای ارسال فایل‌ها هستند. شما می‌توانید فایل‌های بزرگ مثل فیلم‌ها یا پروژه‌های کاری را در این فضاهای ابری ذخیره کنید و بعد یک لینک به دوستانتان بدهید تا آن‌ها هم بتوانند آن فایل را دانلود کنند. این روش خیلی محبوب است، چون محدودیت حجم ندارد و فایل‌ها همیشه در دسترس هستند.

مثال: فرض کنید شما یک فیلم ۵ گیگابایتی دارید که نمی‌توانید آن را از طریق ایمیل بفرستید. در این صورت، می‌توانید آن را در Google Drive آپلود کنید و فقط لینک آن را برای دوستانتان بفرستید تا بتوانند آن را دانلود کنند.

۳. روش‌های پیشرفته‌تر و سریع‌تر

الف. بلوتوث و وای‌فای دایرکت

بلوتوث زمانی بسیار محبوب بود و هنوز هم در بعضی مواقع استفاده می‌شود. مثلاً اگر می‌خواهید یک عکس یا آهنگ را به گوشی کسی که نزدیک شماست بفرستید، می‌توانید از بلوتوث استفاده کنید. اما بلوتوث سرعت کمی دارد. برای حل این مشکل، فناوری وای‌فای دایرکت آمد که بسیار سریع‌تر از بلوتوث عمل می‌کند و برای انتقال فایل‌های بزرگ مناسب است.

مثال: فرض کنید در یک مهمانی هستید و می‌خواهید عکسی که گرفته‌اید را سریعاً به دوستانتان بفرستید. با وای‌فای دایرکت می‌توانید این کار را خیلی سریع‌تر از بلوتوث انجام دهید.

ب. استفاده از پیام‌های همتا به همتا (P2P)

بعضی از برنامه‌ها مثل Bittorrent امکان انتقال فایل به صورت مستقیم بین دو دستگاه را فراهم می‌کنند، بدون نیاز به یک سرور مرکزی. این روش برای ارسال فایل‌های بسیار بزرگ مناسب است و معمولاً برای دانلود فیلم یا نرم‌افزارهای بزرگ استفاده می‌شود.

۴. فناوری‌های آینده انتقال فایل

در آینده احتمالاً روش‌های انتقال فایل باز هم بهتر و سریع‌تر می‌شوند. یکی از این فناوری‌ها استفاده از اینترنت با سرعت بالاتر مثل 5g است که امکان انتقال فایل‌های خیلی بزرگ را در عرض چند ثانیه فراهم می‌کند. همچنین، با تکنولوژی‌های جدید، امنیت فایل‌ها در حین انتقال هم بیشتر خواهد شد.

نتیجه‌گیری

انتقال فایل یکی از نیازهای روزمره ما است و با گذشت زمان، روش‌های آن سریع‌تر و آسان‌تر شده‌اند. از فلاپی دیسک‌های قدیمی تا خدمات ابری امروزی، هر کدام از این روش‌ها کمک کرده‌اند تا ما بتوانیم اطلاعاتمان را سریع و ایمن به اشتراک بگذاریم.

غزلی از حافظ

« درخت دوستی »

درخت دوستی بنشان که کام دل به بار آرد
 نهال دشمنی بر کن که رنج بیشمار آرد
 شب صحبت غنیمت دان که بعد از روزگار ما
 بسی گردش کند گردون بسی لیل و نهار آرد
 بهار عمر خواه ایدل و گرنه این چمن هر سال
 چو نسرين صد گل آرد بار و چون بلبل هزار آرد
 چو مهمان خراباتی بعزت باش بارندان
 که درد سرکشی جانا گرت مستی خمار آرد
 خدا را چون دل ریشم قراری بست با زلفت
 بفروما لعل نوشین را که زودش با قرار آرد
 عماری دار لیلی را که مهد ماه در حکمت
 خدایا در دل اندازش که بر مجنون گذار آرد
 درین باغ از خدا خواهد دگر پیرانه سر حافظ
 نشیند بر لب جویی و سردی در کنار آرد

حکایت

یکی از خلفا بهلول را گفت مرا نصیحت فرمای گفت: از دنیا به آخرت چیزی نمی توان برد مگر ثواب و عقاب؛ اکنون مخیری.*

مخیر: صاحب اختیار

روزی حکیمی از شاگردانش پرسید چه چیز است که برای آدمی از آن بدتر نباشد؟ جواب دادند: فقر و تنگدستی. حکیم گفت: حسادت از آن بدتر است، چون فقیر مال باید و حالش نیکو گردد، اما حسود و بخیل هرگز از تنگ نظری و پریشانی روانی خلاص نشود.

راز ضرب المثل ها

پنبه دزد دست به ریشش می کشد

پنبه های تاجری به سرقت رفت. هر چه گشتند دزد را پیدا نکردند و عاقبت شکایت به قاضی بردند. قاضی دستور داد تمام افراد مشکوک را در یک محل جمع کنند تا دزد را پیدا کند. وقتی همه جمع شدند، قاضی دستور داد به صورت همه با دقت نگاه کنند هر که پنبه به ریشش چسبیده باشد او دزد پنبه هاست. در این میان دزد از ترس دستی به صورت خود کشید که اگر پنبه ای به ریشش چسبیده باشد پاک کند. قاضی متوجه شد و بلافاصله دستور داد دزد را گرفتند. از آن زمان این مثل متداول شد که پنبه دزد دست به ریشش می کشد.

ثمره زندگی

مختلف جامعه اعم از مراکز بهداشتی، مهد کودک، مدارس و بسیاری دیگر از مراکز جامعه ارتباط می گیرند و در کنار آن اصول اجتماعی شدن را هم به فرزند خود می آموزند.

سرمایه گذاری در پیری: مشکلات و ناتوانی در دوران پیری در انتظار بیشتر زوجین هست، اما زوجیهایی که قبل از رسیدن به این مرحله دشوار، با داشتن فرزندان بیشتر، سرمایه گذاری مناسبی کرده اند از این مرحله با آسایش بیشتری عبور خواهند کرد. در هنگام ناتوانی، بیماری و نیاز به کمک فرزندان صالح سرمایه های اصلی هر پدر و مادری هستند که می توانند در حل مشکلات به آنها کمک فراوانی بنمایند.

این موارد، اهمیت و توجه به جوانی جمعیت را برایمان بیشتر می کند و قطعاً برای داشتن کشور و خانواده ای جوان، پویا، فعال و شاداب نیاز به فرزندان سالم و صالح هستیم.

کمک زیادی می کند. خانواده های پر جمعیت پایدارترین خانواده ها هستند و روابط عاطفی خوبی با هم دارند. یکی دیگر از مزایای داشتن فرزند گسترش ارتباطات اجتماعی زوجین است و در قدم اول نقش آنها از زن و شوهری به پدر و مادری ارتقاء می دهد و در گام بعدی با دادن هویت اجتماعی جدید به آنها به افزایش اعتبار و منزلت اجتماعی آنها کمک می کند.

این اتفاق زمانی می افتد که والدین در پی برآوردن نیازهای فرزندان با بخشهای



بی شک ارزشمندترین ثمره زندگی هر زن و شوهری داشتن فرزند است، ثمره ای که با تربیت صحیح مسیر سعادت را هموار و زندگی را برای والدین شیرین می نماید. یکی از مزایای حضور فرزندان در خانواده، افزایش میزان امید، نشاط، پویایی زوجین و کاهش افسردگی و استرس است و وجودشان به تثبیت و تحکیم نهایی خانواده منجر می شود. وجود کودکان در خانه شادابی، حرکت و پویایی ایجاد می کند، همدلی و تحمل دشواری ها را برای زن و شوهر بیشتر می نماید. و حتی به تداوم زندگی زوجین کمک می نماید. چرا که انگیزه و شور و هیجان بزرگ کردن فرزندان، مراقبت از آنها و لذت بردن از حضورشان همواره با والدین می ماند.

آمارها نشان می دهد که وجود فرزند باعث می شود ریسک طلاق بیش از چهل درصد کاهش پیدا کند. و حتی فرزند دوم و سوم و بیشتر به کاهش ریسک طلاق

قنات یا کاریز (کَرز)

حسن خورشید کلایی

چاه مادر یا چاه اصلی و سر منشا آن در جنوب شرقی روستا و محدوده زمین مرحوم حاج علی علیپور (علی لیلا) بود و خروجی آن یعنی جایی که آب قنات به سطح زمین می رسید و منه وال می افتاد. محدوده زمین فعلی حسن محمد زاده یا پائین تر بود که با آب این قنات یا کاریز، کربلایی قنبر حمزه ای، موسی و قاسم حمزه ای شالی می کاشتند.

ضمناً با آب هر کاریز، البته بسته به خروجی آب آن کاریز از ۶ تا ۱۰ هکتار شالی می کاشتند.

نقاشی: رضا عباسی



در شماره قبلی ناورمختصری در مورد چگونگی ایجاد کاریز، کاربرد و قدمت آن توضیح داده شد. در اصل کاریز برای غلبه بر دوره های طولانی خشکسالی که آب سطحی پیدا نمیشد یا کم بود، ایجاد شده و توسط معمارها کم کم در سر تاسر ایران رایج شد.

روستای محمد آباد هم از این قاعده مستثنی نبود و برای تامین آب شرب روستا و تامین آب کشاورزی کاریزهایی توسط مقنی ها ایجاد شد. (در شماره های بعد در مورد مقنی ها و نحوه کار آنها توضیح داده خواهد شد)

اما در مورد کاریزهای روستای محمد آباد که عمدتاً جهت تامین آب کشاورزی بوده و فقط یک یا دو رشته آن

جهت تامین آب شرب و شست و شو و ... کار برد داشته است که بشرح ذیل بوده و در هر شماره در مورد یک رشته آن توضیح داده خواهد شد.

۱- کاریز ملا حاجی ۲- کاریز کربلایی عزیز ۳- کاریز حاجی شعبانی ۴- کاریز عاملی ۵- کاریز حاج آق بزرگ ۶- کاریز شیشدانگه ۷- کاریز واثقی ۸- کاریز پیر ۹- کاریز قلقل چشمه

کاریز ملا حاجی که مال پیر واثقی بوده که به آن کاریز کربلایی قنبر می گفتند.

ادامه از صفحه ۱۳

پیشگیری بهتر از درمان است

با ۲ بهورز خانم. نکته دیگه فضای خانه بهداشتی که مناسب جمعیت و خدماتی که ارائه می دیم نیست که این فضا باید بزرگتر بشه. نکته آخر اینکه میخوام تشکر کنم از هم محلی عزیزی که برای خیرات امواتش چند وسیله مورد نیاز برای خانه بهداشت تهیه و در اختیار ما قرار داد و امیدوارم دیگر عزیزان هم نذوراتشون رو صرف اینگونه کارها بکنند.

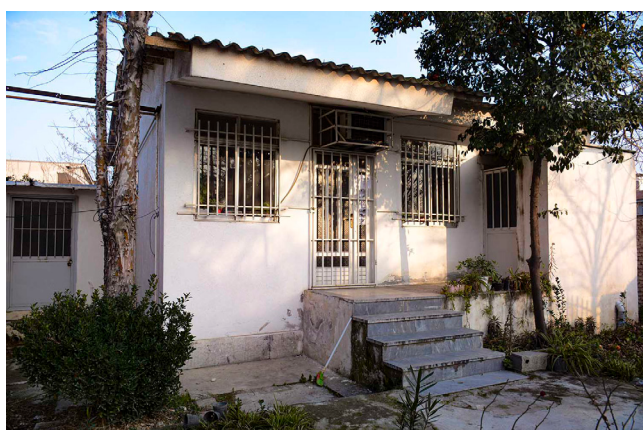
درگیر بیماری میکنند. و مشکل دیگه دامداریهایی هستند که داخل روستا قرار دارند که آمارشان هم زیاد است (۳۰-۴۰) تا دامداری خرد داخل روستا. از نظر بهداشتی حضور دامداری داخل روستا ممنوعه ولی از جهاد مجوز دارند که البته جهاد هم با شرط رعایت موارد بهداشتی مجوز میده مثلاً کف محلی که دام نگه داشته می شود سیمانی باشد.

و مردم هم باید همکاری کنند و به این افراد خانه اجاره ندهند. نکته دیگر بحث نظافت مدرسه است. چون بعضی مدرسه ها خدمه ندارند اوضاع بهداشتی مناسبی ندارند، شاید باورتون نشه ولی سال قبل ما خودمون دستکش دستمون کردیم و محیط شون رو نظافت کردیم.

مبحث بعدی اماکن روستا است. که ما ۲۴ تا اماکن داریم که بعضی ها محیطشون تمیز نیست، تاریخ انقضای بعضی کالاها گذشته و .. و چون هم محلی های ما هستند باید به گونه ای رفتار کنیم که هم سلامت مردم به خطر نیفته و هم باعث ایجاد رنجش و تنش نشیم که این کار رو خیلی سخت تر میکنه و توان بیشتری از ما میگیره. مثلاً در نانوايي ها گاهی خودمون می بینیم و هم از افراد مختلف گزارش داریم که فرد آمده برای خودش نون بگیره یکساعت هم ایستاده اونجا به شاطر کمک کرده، خب این شخص اگر یک بیماری و اگر داشته باشد مثل هپاتیت براحتی انتقال میده و تعداد زیادی افراد رو

صحبتی اگر

باقیمانده بفرمائید. تعداد ۲ تا بهورز برای جمعیت روستا کمه و یک بهورز مرد و حتی یک بهورز خانم دیگه هم لازمه. خیلی جاها ۶۰۰-۷۰۰ نفر جمعیت دارند با ۳ بهورز ولی ما ۳۰۰ نفر جمعیت داریم



گزارش تصویری از فعالیت های ورزشی، فرهنگی و عمرانی روستای محمدآباد



● برگزاری مسابقات والیبال جام رمضان اسفند ۱۴۰۳ گرامیداشت شهدای روستای محمدآباد در سالن ورزشی روستا



● اعزام ۱۰ نفر ورزشکاران کوکو روستا به مسابقات جهانی هند



● برگزاری جشنواره غذای سالم در محوطه ساختمان دهیاری آبان ۱۴۰۳



● صعود بانوان کوهنورد گروه آزادکوه به قله طلا در شهر ورامین



● برگزاری مسابقات فوتبال جام نوروز ۱۴۰۴ گرامیداشت شهدای روستای محمدآباد در سالن ورزشی روستا



● قهرمانی تیم کبکدی پدیده گلستان در مسابقات چندجانبه تهران با استفاده از کادر فنی و بازیکنان روستای محمدآباد



● نصب دوربین مدار بسته در نقاط کلیدی روستا توسط دهیاری



● برگزاری جشن روز دانش آموز در مدرسه ابتدایی با همکاری خانه بهداشت روستای محمدآباد